کتاب

برکات الانس لزایر القدس

تصنیف

حاجی الحرمین زایر القبلتین صاحب العز و الکرامات

مولوي ابوالبرکات

البهاري لازال رشحات برکاته فایضه *

باهتمام

اضعف بندگان ایزد قوي و احقر امتان حضرت مصطفوي

محمد رشید الزمان صفوي

درمطبع مظهر العجایب جناب فضیلت ماب مولوي

کبیر الدین احمد

صاحب امین مدرسه عالیه کلکته چاپه طبع پوشید

کلکته



۶ شهر ربیع الاول ۱۲۸۲ هجري مطابق ۳۰ جولائی ۱۸۶۵ ع

فهرست کتاب برکات الأنس



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب المشرقین و المغربین والصلوة علی رسوله صاحب الحرمین و القبلتین صلی الله علیه و علی آله و اصحابه خیر الکونین*

اما بعد اضعف بندگان ایزد قوی محمد رشید الزمان صفوی معروض خدمت مشتاقان مزارات حضرات نبوی میدارد که از مدتی مدید شوق شدید باستماع احوال بیت الله الحرام و بیت المقدس شام در ساحت دل این ناکام اساس استحکام نهاده است اما از شکسته پائی و عوایق نامتناهی دست بان نمیرسد که از موی مژگان جاروب کشان و از اشک چشمان آب افشان بزیارت این حرمین شریفین و دیگر بلاد مطهره و بقاع متبرکه روان شوم ازین سبب اکثر در تلاش کتابهائیکه در آن ذکر این ابنیهٔ شریفه و امکنهٔ منیفه بوده باشد میبودم تا بمطالعه ان نوعی تسکین بدل حزین دهم و عرصهٔ دراز درین خواهش و آز بودم تا آنکه در کتب خانه افتخر علمای امجد مخدومی مولوی کبیر الدین احمد حماه الله الصمد امین مدرسهٔ عالیه کلکته کتاب الاعلام باعلام بیت الله الحرام و کتاب اخبار مکه و کتاب المنتقی فی اخبار ام القری و کتاب الجامع اللطیف فی بناء بیت الشریف و غیره کتب چند مطول و مختصر اصح و معتبر

دیدم وحظی وافر برداشتم گرچون بیشتری از انها عربی و باحادیث حضرت رسالت پناهی منطوی اند نتوانستم که دیگران را نیز فایده ازان رسانم تاانکه درین اوان بهجت اقتران از عنایت بی نهایت جناب معظمی و مشفقی مولوی سید فضل حسین صاحب این کتاب برکت انتساب المسمی به برکات الانس لزایر القدس تصنیف قدوة العلما زبدة الفضلا مقتدای بزرگان پیشوای کاملان عالم باعمل زاهد بی بدل حاجی الحرمین الشریفین مجاور روضهٔ منورهٔ رسول الثقلین حضرت مولانا مقتدانا مولوی ابوالبرکات دست یاب شد و از دیدن آن شادان و فرحان شدم * ازانجاکه مصنف این کتاب طال بقاوه از سالهای چند ازین ملک هند هجرت نموده در جوار خیر الامصار مدینة الرسول شرف قفول دریافته و اراده عدم مراجعت هند مصمم ساخته فقط یک نسخه این کتاب بطریق تحفه بخدمت سید صاحب موصوف بدستخط خاص خود هدیه فرستاد و بخیال که نسخه مذکور از حوادث زمان ردی زبان باشد و بهرحال فقدان نشیند رای جناب سید صاحب ممدوح بران قرار یافته که بذریعه چاپ کردن چنان تکثیری در تعداد این نسخه نموده آید که غالبا جلد مفقود شدن آن هادة مستحیل نماید لاجرم حقیر کمر همت بمعاضدت سید صاحب مکرم برچاپ کردن این کتاب معظم چست نمودم و بعون الله تعالی بحسن اختتام رسانیدم * و بعضی از احباب که ایشان نیز محرک این

امر بر صواب بودند انچه تقاریظ ابدار بران نوشته اند حقیر با منت گذاری های فراوان در طبع آن شرف افتخار اندوختم * حالا بصله این خدمت متقول از احباب شرف قبول مسئلت دارم *

والحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سید المرسلین و آله و صحبه و سائر ذریاته اجمعین *

بسم الله الرحمن الرحیم

تحریر فاضل نحریر سخن آفرین خوش تقریر منشی لاثانی مولوي ذوالفقار علی معنی مدرس مدرسهٔ عالیه کلکته ادام الله تعالی افضاله و اجلاله *

محامد زاکی تنزیه و پاکی خدای راست که مسند عالم ارا است بشرف ظهور سید دو خواجه دوسرا حبیب پاک شهنشاه لولاک که صفوف برایا صفوف موکب اویند و امم خلایق حشم مرکب وی شاهان غیور باستقبال پیش خرامیده بپادش در مقامات خود آرمیده اند و سران سراسر نور از پس شتافته به پیرویش در منازل خویش برتافته قبهٔ بارگاه هریکی قبله زائرین است و طاق ایوان هر احد محراب سائرین علیه وعلیهم من الصلوات زاکیات و من التحیات زاهیات *

اما بعد این فقره‌ٔ چند است فکریه بادای شکریهٔ اولا بان صاحب کمالی - در علم و هنر بی مثالی - سرزمین افادت را آسمانی - آسمان براعت را مهر نور افشانی - مرکز دائرهٔ شرف و سعادت - دائرهٔ مرکز شریعت و زهادت - مرجع انوار ربانی - محیط اسرار سبحانی سالک مسالک انسیه - شاهد مشاهد قدسیه کاسمه ابوبرکات الکونین الحاج الحرمین المحترمین المولوی ابو البرکات البهاری سلمه القدوس الباری که بر فضایل و بزرگواریش ازین روشنتر چه دلیلی تواند بود که ازان دولت و نعمتها که بسفر مبارک اندوخته نخواست که دیگران محروم باشند و یاران بی بهره * مصرع * که حلوا نبایست تنها بخورد - زحمت کشیده که رحمت بران تبار مشاهدهٔ خود را بصورتی نقش بست که نیکوتر ازان بعالم خوابست و خیال و عیان خوبش بهبیانی در آورده که خوشتر ازان بدیار وهم است و احتمال - گوئیا مرقع تصویر یست که پیش نظرها نهاده - یا دوربینی که بدست نزدیک بنیان داده - کتابی است مبارک که سوادش بدیدها روشنائی افزاید - و بیاضش خانهٔ دلها را نورانی نماید - مجموعهٔ جامع برکات نمایان که بهر لفظ ثوابی است چو معنی بنهان هرگاه بنام ناظرین نویسند اغاز از اسم مولف کنند *

لراقمه عفاالله عنه

تعالی الله کتابی بیمثالی * چمنزار تجلی را نهالی

ز شاخ سطر اوراق است روشن * که نخل طور را بود ست گلشن

ثانی روضهٔ رضوانی است که هر بابش از مزار انوار رسل و انبیاء کرام و انوار مزار شهدا و علمای اعلام نشان میدهد بیت المقدسی است که هر محرابش بمراقد سایبان و شان انس و منابر مقربان قدس بسر ادب خمیده اشاره میکند * علی نبینا و علیهم الصلواة و السلام من الله الملک العلام *

و ثانیاً بابن عالی وقاری - بلند مقداری - صدف صداقت را در بیتها - فلک فتوت را دری بر ضیا - لولؤ لالای بحر نکته دانی - مرد جهان چمن جادو بیانی - شهسوار شهر جولانگه نباهت - سیف المسلول معرکهٔ نکاهت - مرد میدان رشد دینی و دنیوی - مخدومنا المولوی رشید الزمان الصفوی - ادامه الله بما یحبه و یرضاه که بارشاد توفیق بغرض ساعی مولف دار سیده بشهرت افزائی این شگرف نامهٔ برکت ختامه پرداخت و باهتمام همت خاص باکمال حسن اخلاص بطبع در آورده مطبوع طبائع ساخت فله الجزاء الجزیل من ذی الجلال الجلیل *

تاریخ تالیف و طبع معا

چو دریافته مردم دیده ام * زیارات این برکات انتها

پی سال تالیف و طبع کتاب * ربوده ز خود فکر معنی مرا

که هاتف سروشی زباب جنان * بگفتا - در روضهٔ انبیا

تاریخ طبع خصوصا

زهاتف شنیدم رباعش که هم * ببوی ریاحین انهر است جفت

دماغ همه عطر پرورده شد * چو گل غنچه‌های دل ما شگفت

بمعنی خرد سال طبع نکوش * گل تربت وستاره دگفت

وله ایضا مصرع تاریخ

از مزار قدسیان گلها بیاور دست بین *

تحریر فصاحت تخمیر حکمده قلم یاقوت رقم منشی بی بدل ناظم عدیم المثل جناب سیدنا سید بنده علی صاحب دیوان مهارانی ریاست نکاری دام فی حفظ الله العزیز الباری *

هزاران شکر و منت مر خدا را * که پیدا ساخته ارض و سما را

برافرازندهٔ سبعه سماوات * برافروزندهٔ نور فیوضات

فرستاده محمد مصطفی را * شهنشاه گروه انبیا را

که از نور نبوت عالم افروخت * لباس کفر و نادانی همه سوخت

کتاب حق عطا فرمود ما را * ره ایمان و دین بنمود ما را

شفیع المذنبین آمد خطابش * صلواتش باد و بر آل و اصحابش

صلواتش صیقل زنگ معاصی * بتذلیب هر ادانی و اقاصی

بیاینده علی هر مقصد خویش * کتاب محترم را طبع در پیش

زهی فرخ رساله رهنمائی * گروه زایران را پیشوائی

هدایت نامهٔ اعلی و اقدس * باحوال ره بیت المقدس

حروفش را سواد طور سینا * بیاض صفحه‌اش نور تجلی

پی درماندگان مشکل کشائی * براه راستی قبله نمائی

فروزان شمع بزم از ایران است * ضیا بخشندهٔ پیر و جوان است
مهی در شام غربت نور نبوی * بصمرا مهری یوسف عزیزی
باقصی مرتبه قدرش ازین است * که ذکر تخت رب العالمین است
مصنف را ثنا از حد فزون است * که بر طرز رسالت رهنمون است
ازل در قرعه اش حسنات کردند * مسمی بر ابو البرکات کردند
برآمد حاجیان پاک طینت * بحیل زایران والای نعمت
چو این نامه لباس طبع پوشید * جهان از فرط شادیها خروشید



اشعار جواهر شعار فردوسی بهار واقف اسرار خفی و جلی مخدومی شاه الطاف حسین فردوسی بن شاه فرزند علی المتخلص به نازش حفظه الله عن مفتنن و مشاوش *

لا تعد ست بکر و حمد لا تحصی * شه مسلم خدای یکتا را
آفرینندهٔ مکان و مکین * زینت آرای آسمان و زمین
داد ما را کتاب رحمانی * قاطع جهل و کفر و نادانی
آن کتاب بری ز هر آفات * مخزن خیر و معدن برکات
بعد ازان نعت احمد عربی * افسر جمله مرسلان و نبی
چون به ظلمات نور او برسید * صبح ایمان ز شام کفر دمید
صلواة خدا بر احبابش * باد و بر جمله آل و اصحابش
بالغ الله یا فواد لدیك * تحیتا منی السلام علیك
منبع جود مجمع حسنات * حاجی و مولوی ابو البرکات

ذات اوصرف درزیارات است * همه عمرش بخیر و برکات است

سالک محرم دیار عرب * سرمه دیده اش غبار عرب

جای خود کرد در دیار نبی * با خدا عاشق مزار نبی

تحفه نغز این رساله اوست * که بیانش براه راست نکواست

زاد راه نصیب هر احباب * بهر گمگشتگان راه صواب

مولوی کبیر دین صاحب * لطف فرمای حاضر و غایب

با همه مهربانی بیحد * طبع کردندش از نهایت جد

باعث منشی رشید زمان * کرد تقریظ را بنظم بیان

بزمان قیام کلکته * گفتمش در مقام کلکته

هردو تاریخ طبع شد منظوم * ذیل تقریظ یافته مرقوم

نازشا فکر تو بلند آمد * همه را این سخن پسند آمد

قطع تاریخ طبع

شد طبع بمظهر العجایب * محفوظ رساله ز آفات

سال طبعش ز فکر نازش * گردید خزانهٔ زیارات

ایضا منه

زهی سعادت طبع که طبع شد اول عجیب تحفهٔ خوش حاجی ابوالبرکات

چو بای جهد براه تجسس تاریخ شکسته شد وگشت زبادش خزانهٔ برکات



بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی * والصلوة والسلام علی حبیبه الذی عرج الی السموات العلی - الی سدرة المنتهی - الی قاب قوسین او ادنی * وعلی اله سفن نجاة الوری * واصحابه نجوم الهدی *

اما بعد بندهٔ سراسر تقصیرات عاجز ابو البرکات ابن مولوی فضل امام مرحوم هندی بهاری موطنا و الحنفی مذهبا و القادری المجددی طریقة پیشتر در سال ۱۲۷۴ هجری بزمان اقامت حرمین شریفین زادهما الله شرفا وتعظیما قصد زیارت بیت المقدس میداشت لیکن دران آوان بسبب موانع چند فرصت و فراغ این سفر برکت اثر نیافت - اکنون که بار ثانی آستانه بوسی مکهٔ معظمه نصیب شد الحمد لله که بعد از حج در سال ۱۲۷۹ دوازده صد و هفتاد و نه هجری اتفاق حاضری آن بقعهٔ منیفه افتاد و از زیارت مسجد اقصی و دیگر زیارات مشرف گشته *

شکر خدا که انچه طلب کردم از خدا * بر منتهای مطلب خود کامران شدم

چون اکثر اهالی هند که بمکهٔ معظمه تشریف می آرند با وصف اشتیاق
و تمنا صرف بخوف تکالیف راه و بعد منازل و بعضی باعث لاعلمی
از برکات و فضایل قصد و همت آن مقامات عالیه نمی فرمایند - لهذا
بندهٔ هیچمدان سطرے چند بانکشاف حقایق طریق بیت المقدس
و دیگر اماکن متبرکه و بعضی از فضایل و شرف آن مستدل بآیات
و احادیث منقوله درین رساله مختصرانه مینویسد و التزام تحریر وی به
ترتیب سفر مینماید - تا زایران را بیانش در محل خود بکار آید * هر
کسیکه این رساله تمام و کمال ملاحظه نماید انشاءالله المستعان شوق
درک این سعادت در دلش استیلا کند و اخبار غیر صحیحه که
سنگ راه می افتد از خاطرش برخیزد - و اگرچه عاجز را قریب سه
ماه درین سفر گذشت لیکن آن بسبب بعد مسافت نبود
بلکه جا بجا در اطراف شام و مصر و غیره هنگام مراجعت در انتظار
مرکب دخانی و غیره توقف و تاخیر بسیار رو نمود ورنه حقیقة از جده
تا بیت المقدس در هشت روز میرسند - و در دریا مرکب دخانی و بر
خشکی اکثر ریل گاڑی در می یابند - راه خشکی بقافله البته چهل روزه
بوده است لیکن درین زمان حق تعالی او را آسان تر فرموده است *
درین سفر عجایب و غرایب روزگار از نظر میگذرد و گناهان تمام عمر
بمنطوق اکثر احادیث نبوی صلی الله علیه واله وسلم بخشیده میشود و
سوای بیت المقدس زیارت اکثر انبیاء علی نبینا و علیهم الصلوة و السلام

و بسیاری اهل بیت نبوی صلی الله علیه وسلم اجمعین و صحابهٔ کبار
رضوان الله علیهم ضمناً در اثناء طریق و غیره میسر می آید *

مخفی مباد که بزمان تحریر این رساله که بعجالته در سفر اتفاق
افتاد و کدام کتب از تواریخ و غیره در دست نداشتم صرف در بیت
المقدس کتابی مسمی به انس الجلیل فی تاریخ القدس و الخلیل للعلامه
المحقق الحنبلی که مشهور ترین تاریخهای شام است - و در مصر
کتابی مسمی به خطط در تاریخ مصر ساعتی چند یافتم و در ضیق
وقت هر قدر توانستم ازان تمتع برداشتم *

تمتع زهر گوشهٔ یافتم * زهر خرمنی خوشهٔ یافتم

نام این رساله برکات الانس لزایر القدس کردم و پیش بزرگان و احباب
ارمغانی میکشم - اگر خطائی رفته باشد اصلاح عیب ناگوار نیست -
و معذورم باید داشت که سفر جای تسکین و قرار نه *

طمع دارم که گر ناگهه شگرفی * بخوانند زین صحیفه نامه حرفی
ازوی مگر گر بینند خطائی * نیارند برسر من ماجرائی
بقدر وسع در اصلاح کوشند * وگر اصلاح نتوانند خموشند

۱ فصل اول - در ذکر مرکب دخانی و مقدار کرایه آن از جده تا سویس
و شرایط متعلقهٔ آن و حصول تذکره یعنی احکام راهداری وغیره از مکهٔ معظمه *

۲ فصل دوم — در طریق همراه گرفتن گینی و ریال وغیره مع نرخ
مروجهٔ مصر و بلاد شام *

۳ فصل سوم — در احوال مقام سویس و تعداد کرایه وغیره نسبت

گردون دخاني تامقام مصر *

۴ فصل چهارم — دراحوال رسیدن مصر و زیارت روضهٔ اقدس یعنی مدفن سر مبارک سیدنا امام حسین رض و قبر سیدتنا زینب و سکینه و دیگر اهل بیت نبوي صلی الله علیه و علیهم اجمعین - و قبور بعضي صحابه و امام شافعي و امام ابو اللیث و امام جلال الدین سیوطي و غیره علیهم الرحمته - وحقایق جامع ازهر و مسجد محمدعلی پاشا و باغ شبره وغیره *

۵ فصل پنجم — در احوال زیارت سیدنا احمد بدوي قدس سره بمقام طندنا و سرسبزي و شادابي زمین مصر *

٦ فصل ششم — در رسیدن شهر اسکندریه و زیارت سیدنا دانیال علیه السلام وحضرت بوصیري صاحب قصیدهٔ برده و اسکندر ذوالقرنین و دیگر بزرگوار بمقام مذکور - و تصحیح و ملاحظه و تجدید تذکره در ینمقام *

٧ فصل هفتم — در روانگي از اسکندر به بطرف یافابر مرکب دخاني و اقامت بمکان سید عبد الغني وفا *

٨ فصل هشتم — در روانگی از یافا بطرف رمله و زیارت سیدنا صالح وسیدنا ایوب علیهما السلام وسیدنا فضل بن عباس و اُم الفضل و دیگر بعضے صحابه علیهم الرضوان و سیدنا عبد الرحمان ابن با یزید بسطامي و سیدنا صالح ابن محبوب سبحانی و امام نسائي و دیگر بسیاري بزرگواران قدس الله تعالی اسرار هم *

٩ فصل نهم — در رسیدن بیت المقدس و بعضے فضایل آن مستنبط از قرآن مجید واحادیث شریف *

٢١ فصل بست ویکم — در زیارت سیدنا نوح وسیدنا لوط علیهما السلام قریب بلد خلیل الرحمن *

٢٢ فصل بست دوم — در زیارت سیدنا زکریا علیه السلام *

٢٣ فصل بست و سوم — درزیارت مقام لد [بروزن ضد] وقت مراجعت یعنی سیدنا شمعون علیه السلام - وحکیم لقمان - وبعضي صحابه کبار علیهم الرضوان و اکثر اولیاء الله مثل ذوالنون مصری وغیره قدس الله اسرارهم *

صد شکر که این نگار خانه * بگسرفت نگار جاودانه
هر معني از و چو آب در جو * هر نکته از و چو تاب در مو
هر نقش ازو گلی است هربار * هر برگ ازو لبی بگفتار
این گل که در و هزار باغ است * آبش ز رطوبت دماغ است
آنرا که سری | به نکته دانیست * داند که چه ریزش معانیست
این گل که ببوستان بهار است * از من به بهار یادگار است
زین بزم که روزگار سانیست * گر من بروم ترا نه باقیست

فصل اول

در ذکر مرکب دخانی ومقدار کرایهٔ آن از جده تا سویس و شرایط متعلقهٔ آن - و حصول تذکره یعنی احکام راهداري وغیره از مکهٔ معظمه *

باید دانست که چند مرکب دخانی که آنرا وابور البحری هم گویند از طرف سعید پاشا از توابع سلطان روم خلد الله ملکه دایما از مقام سویس آمد و رفت بندر جده و دیگر بنادر مختلفه می نماید

و احکام و قراین دار السلطنت استنبول بنام پاشا و شریف مکهٔ معظمه وغیره میرساند و در ضمن آن مسافرین و حجاج را نیز می آرد و می برد اهتمام آن در جده مفوض. شخصی عرب مسمی باحمد نشاط و مراکب هرگونه معمور از سامان راحت و نشاط زایرین بیت المقدس و دیگر اماکن متبرکهٔ دیار شام اکثری بران روند و قوافل مصری و مغاربه بعد فراغ حج بیشتر بران مراجعت کنند - چنانچه راقم برمرکب مسمی به حجاز که اکبر المراکب است در جده بتاریخ دوازدهم محرم سنه ۱۲۷۹ یک هزار و دو صد و هفتاد و نه هجریه بانهه کسان بقصد زیارت بیت المقدس سوار شدم و کرایهٔ مرکب حسب تفصیل ادا کردم *

حضرت مولانا شاه محمد عمر و مولوی حکیم محمد اسمعیل صاحب و راقم السطور در درجهٔ دوم یعنی سطح فوقانی سی و پنجریال فرانسه فی کس *

سواری زنانه یک کس در کوتهری درجهٔ اول هفتاد و پنجریال فرانسه *

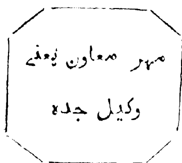
مولوی ابو الحسن صاحب و خدام و جاریه چار کس درجه ثالث یعنی صحن جهاز هفتاد پنجریال فرانسه فی کس *

خدام را اگرچه تحت منزل و ماوا لیکن مجاز بآمد و رفت زیر و بالا - جاریه هرچند نامزد بدرجه زیرین لیکن در کوتهری باحرم شب و روز جا گزین ع بدانرا به نیکان ببخشد کریم * برای دخل هوا در کوتهری از روزنی بیش نیست و چیزی شباک وغیره کس و پیش

نہ - طہارۃ یعنی پاخانہ مستورات متفرق و یکسو ، و رجال را دران نیست ہرگز دخل و قابو ، کپتان و کارکنان مرکب ہمہ مسلم اند مصری نژاد ، و قابیل ازان نصارا زاد - سطح فوقانی مرکب نہایت ہوادار ، و صحن مرکب کہ محل اہل خن است قابل گذار ، راکبان درجۂ اولی و ثانیہ را پاخانہ بہتر میسر ، و کرایہ داران خن را جاے طہارت باخلامیان مقرر ، برای غسل و غیرہ حمامی علیحدہ معین وحوضی دران حمام برای آب شور مخزن ، شربت و بیضہ مرغ و چاء و قہوہ بر مرکب آمادہ ، لیکن نصارا آنرا در معرض بیع نہادہ ، آب شیرین حسب قواعد دیگر مراکب ذمۂ اہل مرکب ، باورچی اگر ہمراہ باشد حسب قاعدۂ مرکب چیزی طعام مختصر می توان پخت ، وہم بانعام و مدارا از طباخ مرکب کار می توان گرفت ، الیتام بعضی کارکنان مرکب ہرگونہ موجب راحت ، عاجز را بروز اول در مطہرۂ درجۂ اولی ساعی بار ندادند چون بمقتضای [دہن سگ بلقمہ دوختہ بہ] تدبیرش کردہ شد در ہر کمرہ را بکشادند ❊ مقتضای حزم و احتیاط آنست کہ از جدہ نان و پنیر و سموسہ و کہجور شیرینی و لیمون وآچار و غیرہ ہمراہ گیرند و اکثر اکتفا بران کنند کہ سیرت این سفر از جدہ تا سویس زاید از پنج چہار روز نیست - راقم باخود برنج و دال و غیرہ مصالحۂ سبز و گرم اکثری کوفتہ بپختہ اگرچہ ہمراہ داشت و در حالت اقامت ازان آسایش یافت لیکن آیندہ در وابور بری کہ مراد از ریل گاڑیست نہایت تکلیف برداشت

تا آنکه اکثر حوایج در سویس و بعضی در مصر و اسکندریه گذاشت ، صرف دو یک جفت پارچه و یک لباده و دو لائی بلحاظ آنکه در اطراف شام ایام خیلی شدید حکم برد متوسط دارد و بموسم سرما برف می بارد همراه گرفت - دال عدس و برنج سرخ یا سفید هرچه جابجا از بازار میسر آمد بران اکتفا ورزید - مشکیزهٔ صغیر و اباریق و سبوچهٔ مسی برای گرفتن آب بر جهاز اگرچه بکار آمدنی لیکن آینده در سفر خشکی گذاشتنی * باید دانست که قبل از انکه از جده رخت سفر بندند تذکرهٔ که مراد از احکام راهداری است از مکهٔ معظمه بگیرند که بدون آن در بعضی بلاد و امصار راه ندهند و آن از دربار پاشای مکه مرحمت شود و بذریعهٔ مطوف و غیره سریعا بدست آید تکلیفی و دقتی دران نیست جز آنکه چند قروش بدست منشیان سررشته رسانند - دران جز دو سه سطر مشتمل بر نام و نشان مسافر و نام پدرش و نام منزل مقصود و حکم عدم ممانعت و تعرض در اثناء راه ؛ عمر و حلیهٔ مسافر و مهر و دستخط اهل سررشته دیگر مضمون و عبارتی نیست * پس از حصول تذکرهٔ مذکورهٔ بالا وقتیکه در جده آیند و نول جهاز ادا نمایند تذکرهٔ ثانی از کارخانهٔ مرکب دخانی باجازت رکوب بر مرکب برای هر راکب جداگانه دهند - هر دو تذکره را باحتیاط باید داشت که فقدان یکی ازان موجب فراوان نقصان - این تذکره مشروط بشرایط کثیره در رو و پشت تذکره مملو از الفاظ و عبارت عدیده چنانچه ترجمهٔ عربی بجنسه در فارسی نوشته میشود ،

تذکرهٔ - یعنی بیان جهاز دخانی مجیدی مصری از جده تا سویس درجهٔ اولی و ثانیه و ثالثه - اجرت سفاین سواری تا بجهاز و وقت نزول از جهاز تا بکناره ذمهٔ راکب است - بموجب این تذکره فلان راکب سوار خواهد شد بذاته بر مرکب مسمی به حجاز که نام رئیس مرکب ابراهیم است - وصول شد اینقدر کرایه بموجب تذکرهٔ هذا * المرقوم یازدهم محرم سنه ۱۲۷۹ یکهزار و دوصد و هفتاد و نهه هجریه



و بر ظهر تذکره مضامین مندرجهٔ ذیل مکتوبست - و ضرور است ملاحظه و عمل بر شرایط و قیود مندرجهٔ ظهر تذکرهٔ هذا و آن اینست *

تنبیه ۱ — باید که راکب صحیح البدن باشد واستطاعت ادای رسوم و عشور معین حسب قانون ملکیکه ازانجا سفر میکند داشته باشد *

تنبیه ۲ — باید که این تذکره قبل نزول از جهاز تفویض برئیس مرکب کند *

تنبیه ۳ — باید که بر جهاز مع سامان خود یکساعته قبل از روانگی مرکب سوار شود - و احیانا اگر کسی غایب شد یا تاخیر از وقت معینه نمود و مرکب لنگر برداشت تا هیچ زر کرایه واپس داده نخواهد شد *

تنبیه ۴ — بترسد راکب جهاز از انکه مال یغما یا خطوط کسی

یا مثال آن باخود دارد عام است که اندرون اسباب باشد یا بر بدنش - واگر خواهد گرفت و بال آن بدو آید - و نیز بر رکاب لازم که از اشیاء مثمنه و امتعهٔ عزیزه مثل جواهر و زیور و غیره باخود نگیرد چراکه رخصت برکاب نیست برای برداشتن چیزی باخویش غیر ازانکه مخصوص بذات شان باشد - و اگر ظاهر شد نزد احدی از آنها تا اجرت آن مضاعف گرفته خواهد شد *

تنبیه ۵ — در مقدار وزن اسباب وحوایج - راکب درجهٔ اولی مجاز و مرخص است تا پنج قنطار - و راکب درجهٔ ثانیه تا سه قنطار و راکب درجهٔ ثالثه دو قنطار - و انچه برین زیاده شو دگرفته خواهد شد کرایه اش بحساب فی قنطار ده قروش صاغ یعنی مروجه ومحسوبهٔ سرکار *

تنبیه ۶ — هیچ کرایه گرفته نخواهد شد نسبت ولد صغیر که عمرش کم از سه سال باشد - و اطفال کم از دوازده سال را نسبت پدر و مادرش نصف کرایه محسوب خواهد شد و محلی برای او مخصوص نیست *

تنبیه ۷ — خوراک رکاب ذمهٔ خود شان خواهد بود از سرکار علاقه ندارد - واگر کسی از رکاب درجهٔ اولی خواهد که بر سفرهٔ رئیس مرکب اکل و شرب دارد باید که قبل بر آمدن بر جهاز اطلاع این امر کند و یومیه بحساب بست وسه قروش صاغ بدهد *

تنبیه ۸ — رئیس جهاز در ضایع شدن اسباب ضامن کسی نیست - لیکن درانحال که مالک مال اسباب

بوکیل سپارد و کاغذ سند آن از وی بگیرد و قدر قیمت هر شئ
دران مکتوب باشد - و هم صاحب جهاز ضامن نیست برای نقد
و زیور و جواهر که در اسباب کدام راکب باشد ۰ و شرط است که
هر کس از رکاب زیاده از هزار ریال باخود نگیرد و اگر خواهد گرفت
کرایه اش بر تقدیر ظاهر کردن سه صد یک ریال و در صورت
اخفا مضاعف گرفته خواهد شد یعنی سر صد دو ریال *

تنبیه ۹ — ممنوع کلی است گرفتن اسلحهٔ ناریه و جارحه
و بارود و گولی و غیره - و اگر کسی ازین قبیل باخود داشته باشد
بمجرد سوار شدن سپرد رئیس جهاز کند وقت نزول از و
بستاند ورنه مجرم خواهد شد *

تنبیه ۱۰ — هر فرد راکب اتباع اصول موضوعهٔ و ابور
بر خود لازم گیرد - و اگر مخالفت کرد بترسد از نتیجهٔ بد آن *

فصل دوم

در طریق همراه گرفتن جینی [یعنی گینی] و ریال
و غیره مع نرخ مروجهٔ مصر و بلاد شام

ره نوردان این سفر را لازم است که از مسکوکات همراه خود
جینی افرنجی و مجیدی اختیار نمایند که قیمتش در مصر و اسکندریه از
جده و مکهٔ معظمه بیشتر آید روپیه و ریال هم ضرر ندارد - و اگر ضرر
دارد تا در کارخانهٔ و ابور سکة الحدید یعنی اسٹیشن و نیز در مقام یافا

و بیت المقدس و اطراف و اکناف آن - و آن عام است در جمله مسکوکها
جنبی باشد یا ریال تصریحش در ذیل ملاحظه طلب *

نام مسکوک	ریال فرانسه	روپیه	گینی مجیدی	گینی فرنگی	قروش ضاط بر وزن غلط یعنی سکهٔ قدیم	قروش دیس بر وزن ذهب یعنی سکهٔ جدید
نرخ در جده	۲۰ قرش	۱۴ ...	۱۲۰ ...	۱۴۵ ...	۴۰ دیوانی	۴۰ دیوانی
در سویس و مصر و اسکندریه در بیع و شرا	۲۲ تا ۲۴	۱۵ ...	۱۵ ...	۱۲۰ تا ۱۲۲	غیر مروج	۴۰ دیوانی
در سویس و مصر و اسکندریه صرف در بازار	۱۲ ...	۱۲ تا ۱۲	۱۵۰ ...	۱۲۰ ...	غیر مروج	۴۰ دیوانی
الچه در کرایهٔ وابور بری و بحری محسوب میکنند و صاع نام نهنده	۲۰ ...	٭٭ ...	۸۴ ...	۶۲ ...	غیر مروج	غیر مروج
در یافا و بیت المقدس و اطراف آن رواج بازار	۲۲ ..	۱۲ ..	۱۱۷ ..	۱۲۸ ..	غیر مروج	۲۲ دیوانی

فرین و دیگر سکهای خرد نقرئی که در مصر و اسکندریه وغیره اکثر الرواج است در یافا تا بیت المقدس وغیره بنقص حصهٔ پنجم میگیرند - غرض عجب پریشانیست که کدام یک سکه چنان نیست که هر جا مساوی البها و بی خساره مروج باشد - پس بعد تفتیش و تدقیق نظر سخن بران قرار گرفت که از سویس تا اسکندریه ریالات و جینی را بکار برند که آنجا نرخش حسب تصریح بالا بهتر و بیشتر است - و برای اخراجات یافا تا بیت المقدس وغیره فروش صلط از جده همراه آرند که نقصان ندارد - غرض بدین تدبیر از خساره نجات یابند * لیکن در کرایهٔ ریل و جهاز که جینی و ریال میگیرند و صاغ محسوب میکنند آنرا ناگزیر تصور باید کرد فکرے و حیلهٔ دران بکار نیست * و واضح باد که احتیاج فروش بر جهاز در بعض اوقات و هم هنگام نزول از مرکب باجرت مزدوران و کشتی بانان وغیره می افتد *

فصل سوم

در احوال مقام سویس و تعداد کرایه وغیره نسبت گردون دخانی تا مقام مصر *

روزیکه از جده روانه شدیم در چهار روز بحفظ و عافیت تمام وارد مقام سویس گشتیم - سویس قصبه ایست فرودگاه مسافران و منزل و مادای بعضی تاجران - حاکم آنجا سلطان روم و پاشای مصر

منتظم این مرزبوم - تا مصر و اسکندریه و استنبول و لندن و کتوریه و همچنان بعضی دیگر سلطنت متفرقه را راه از ین طرف است - مردمان اینجا صرف بانظر مرور گرد آیند و دو یک شب اقامت کرده راه خویش گیرند - ساکنان این قصبه گرد مکانات خودها خوابهای یعنی کوتهریها ترتیب داده اند و آنرا وکاله نام نهاده اند از مسافران کرایهٔ یک ماه در یک دو روز میگیرند - ساکین در قهوه خانها بسر میکنند * عاجز را بذریعهٔ حظ حاجی فرج پسر صاحب چند خلوه از مکانات خواجه حرجیس که از قوم نصاری است میسر آمد - نام برده در تمشیت امور ما بدل پرداخت و ماازمان خودرا بکار و بار ما گذاشت * مدح این قصبه همین قدر بس است که از ماکولات بقدر گذر مسافران هر چیز میسر خصوصا نان خمیری از اکثر جا بهتر - مزهٔ ماهی بریان خاطر مشتاقان را بقلاب میگیرد و لذت میوهٔ چمیز که در حقیقت گولر است مسافررا در تعجب می آرد * ریل را راه از همین مقام تا مصر و اسکندریه و غیره ساخته اند بدینجهت اهل فرنگ از هند بقصد ولایت خود بر مراکب دخانی تا اینجا آیند - چون آب شیرین در سویس پیدا نیست پس آب نیل هرروز از مصر بر ریل آرند - و برای کشیدن گاریهای آب وقتی خاص معین داشته اند و بدین جهت گران میفروشند *

تفصیل کرایهٔ ریل از سویس تا مصر که مسافت ۸۸ منزل دارد از ذیل باید دریافت *

درجهٔ اولی نامعلوم درجهٔ ثانیه سرکس صد قروش درجهٔ ثالثه سرکس شصت قروش * واضح باد که این کرایه صرف نسبت حجاج معین است وبرای اهل بلد و دیگر مسافران که آمدورفت دایمی دارند در درجهٔ ثالث زاید از یک ریال کرایه نیست - و نسبت سامان وحوایج سرکس ربع قنطار راکب درجهٔ ثالث - و نصف قنطار راکب درجهٔ ثانی را مجرا میدهند و زاید را کرایه میگیرند * اول ظهر از سویس بر ریل سوار شدیم وآخر مغرب در مصر رسیدیم - ریل در اثناء راه چند جا توقف بسیار لازم گیرد بدین جهت در مصر بدیر رسد - از سویس تا مصر جز خاک و مغاک وکوهای هولناک چیزی از نظر نمیگذرد ولیکن جا بجا در موقف ریل آب شیرین و حب حب و غیره میسر آید * آبداران مشکیزه در گلو با کاسه و سبو پیرامون و ابور حلقه زن سبزی فروشان متاع خود در دست گرفته گرداگرد هر مرد و زن - بدانکه دریندیار گردون دخانی را نیز وابور گویند فرق اینست که مرکب دخانی را وابور بحري و اینرا وابور بری نامند وسرک آهنی را سکة الحدید وکارخانه اش را که در هندوستان بلفظ انگریزی اسٹیشن مشهور است اینجا دار سکة الحدید گویند * این مصطلحات یاد باید داشت که جابجا ذکرش می آید *

فصل چهارم

در احوال رسیدن مصر و زیارت روضهٔ اقدس یعني مدفن سر مبارک

سیدنا حضرت امام حسین رضي الله تعالى عنه و قبر سیدتنا زینب و سکینه و دیگر اهل بیت نبوی صلی الله علیه و علیهم اجمعین - و قبور بعضی صحابه رضي الله عنهم - و امام شافعي و امام ابو الليث و امام جلال الدین سیوطي وغیره علیهم الرحمة - و حقایق جامع ازهر و مسجد محمد علي پاشا و باغ شجره وغیره ❊

الغرض راقم الحروف چون قریب مصر رسیدم سبزه و اشجار رنگارنگ از نظر گذشته - الحمد لله که دفع توحش کردم و زمین هند را یاد آوردم ' در دار مملکة الجدید سواریهای متعدده از قسم بگی وگاڈی و فتن یک اسپه و اکثری دو اسپه که ارابه نامند وحمار و بغال و نیز چهکڑه ' بار برداری بکثرت موجود و استاده دیدم - همین که از ریل فرود آمدیم هریکی برای کسب کرایه ' خود پیش پیش آمده یکی از دیگری سابقت می جست - چون رفیقی از رفقای خود را یک روز پیشتر در مصر برای تقرر مکان وغیره بذریعه ' خط جناب سید محمد کتبی صاحب مفتی مکه ' معظمه بنام سید رضوان صاحب فرستاده بودم اوشان را آنجا موجود یافتیم بمجرد رسیدن حاجز در جر و حمل اثقال و احمال مصروف شدند و در طرفة العین ازان فراغت کرده مایان را برارابه ' دو اسپه سوار کردند و بمکان خود در سوق الوراقین که مفاصله ' یک کروه دارد بردند - و هرچند درمصر جای اقامت مسافران در بعضی امکنه که به تکیه نامند میسر لیکن باعث معیت زنان بیوت تکیه که گذر گاه

عام است مناسب نه فتاده و در خانهٔ سید صاحب ممدوح طرح اقامت انداختیم - شب بخواب راحت خفتیم صباح بغسل و وضو تنظیف ابدان و اعضا و دفع چرک و غبار هرجا و تبدیل پیراهن وجامه و تجدید جبه و عمامه کردیم و راه زیارت بزرگان گرفتیم * اولا بر آستانهٔ جنت کاشانهٔ جناب سید الشهدا قتیل دشت کربلا نور دیدهٔ خیر الورا جگر گوشهٔ علی مرتضی لخت دل زهرا امام الاصفیا قطب الاولیا نونهال چمنستان رسالت نخل مراد بوستان سیادت ضیغم کارزار شجاعت رستم میدان شهادت مقتدای کونین پیشوای دارین سیدنا امام حسین رضي الله تعالی عنه حاضر شدیم - درین محل خاطر ناتوان ذکر تحریر فقرات چند میداشت لیکن چون دید که آن نوباوهٔ ریاض مصطفوی و خلاصهٔ دودمان مرتضوی را خدا و رسولش ستوده - زبان قلم از ندامت چاک و صفحهٔ کاغذ سیاه و نمناک گردید که درین بحر ذخار دست و پا زدن و راه این بادیهٔ هولناک گرفتن باد بمشت پیمودن و قطره بدریا انداختن است - لاجرم کمیت خامه را بتحریر کیفیات ضروریه و کمیات لازمه جولان داده می آید * علامهٔ مقریزي در کتاب خود مسمی به خطط که تاریخ است کبیر در احوال مصر مینویسد که در سنه ۴۹۱ چهار صد و نود و یک خروج کرد افضل بن امیر الجیوش با افواج قاهره بطرف بیت المقدس - پس بعد مقاتله چون بتصرف خود آورد و قبضه کرد بیت المقدس را داخل شد در عسقلان که قریب بیت المقدس

است - وبود در انجا مکانی مندرس که دران مکان سر مبارک سیدنا امام حسین رضي الله عنه مدفون بود - افضل سر مبارک را بیرون کرد و برداشت برسر خود و ازانجا پیاده پا روانه شد تا آنکه بهمان حالت در مصر رسانید * و در بعضی روایت رسانیدن سر مبارک در مصر بتاریخ هشتم جمادی الاخری [۵۴۸] پانصد و چهل و هشت هجری روز یکشنبه و بعضی بروز سه شنبه دهم جمادی الاخری سنه مذکوره نوشته اند - و وقتیکه بیرون کردند سر مبارک را خون روان بود و بوی مشک می آمد - پس دفن کردند در مصر قریب قبة الدیلم در باب دهلیز الخدمة * و در روایت دیگر چنان است که طلایع بن زریك چون خوف کرد از غلبهٔ فرنگ بر عسقلان مسجدی کبیر بیار است خارج باب زویله و اراده کرد که دفن کند سر مبارک را دران جامع تا که موجب فوز و فلاح او گردد - پس اهل مصر گفتند که تخصیص این سعادت بشما چیست - آخر غلبه کردند اهل مصر و دفن کردند سر مبارک را درین محل که موجود است - و سنگها و اسطوانات قیمتی که او جمع کرده بود خارج باب زویله آنرا نقل کرده بروضهٔ مطهره صرف کردند و بشان و شوکت آراستند - و این معامله ازین روایت در سنه [۵۴۹] معلوم میشود * و هم علامهٔ مقریزي مینویسد که هرگاه سلطان ملک ناصر قبضه کرد مصر را شخصی که واقف بود از خزانه و دفاین مصر و خادم حاکم سابق بود او را طلب کرد و نشان خزانه و دفاین جست - او

باوصف تاکید خبر نداد - تا آنکه اورا عقوبت میکردند و میخهای آهنی برسرش میکوفتند اورا ضرری نمیرسید و میخندید - چون سببش پرسیدند گفت که من نه ولی ام و نه چیزی کرامت دارم مگر سر مبارک امام حسین رضی الله تعالی عنه از عقلان بر سر خود داشته تا اینجا آورده بودم همین سبب برسر من گزندی نمیرسد - سلطان ملک ناصر چون این حکایت بشنید اورا بخشید و اکرام کرد - و بروضهٔ اقدس مدارس و خانقاه بسیار است و درس علما و فقها درانجا معین کرد و صلحا و اتقیا را دران محل جمع نمود و درس علوم روبروی ضریح اقدس معین ساخت * و در عهد معین الدین حسین ابن شیخ الشیوخ بن حمویه بسیاری اوقاف نذر روضه گردید - و ایوان وسیع برای تحصیل و تدریس علوم ظاهری و حجرها و خلوها برای کاسبان فنون و طریق باطنی بکمال شان و شوکت افزوده شد - الحمد لله که تا اینذم کسب و اکتساب علوم ظاهر و باطن دران محل جاری و معمول است * و روضهٔ اقدس امام رضی الله عنه را با کمال رفعت و شان و علو مکان ترتیب داده اند - گنبد مزار اقدس از گنبد گردون گردان درگذشته رفعتش با کنگرهٔ عرش معلی پیوسته - در ساخت واند از بی مثال در حسن و جمال مالامال تو گوئی کرهٔ فلکی بپابوس آستان روضهٔ اقدس سر نهاده یا سیمرغ فلک بیضهٔ بر زمین داده * و گرد روضهٔ انور مسجدی کمال عظیم الشان رفیع البنیان رشک افزای قدوسیان بیت المعمور

حیرت بخش ارباب ایوان و قصور - معبد ملائکهٔ ملاء اعلی هم جنب مسجد اقصی ؛ از عهد پیشین با روضهٔ اطهر هم آغوش ، و بشوق ورک سعادت روضه دوشا دوش ، عابدان شب زنده دار قطار در قطار ؛ و زاهدان نماز گذار بیش از شمار لیل و نهار ، بلکه هر آن پیرامن روضه به تسبیح و تهلیل مصروف - و روبروی مرقد مبارک یکی مصروف ذکر قلبی یکی ساکت و صامت امیدوار فیوض روحی - یکی در بحر فیوض لطایف خمسه غوطه زن یکی در اکتساب کمالات باطنی زانو زیر گردن - یکی سر بجیب مراقبه یکی در فکر مکاشفه - یکی امیدوار ترقی در مقامات عالیه یکی منتظر تعلیم اسرار الهیه - یکی از بادهٔ معرفت سرشار یکی از جام حقیقت جرعه خوار * رباعی

زندہ بمئی در حاله ربطی دارد * زاهد به نماز و روزه ضبطی دارد

معلوم نشد که یار مسرور زکیست * هرکس بخیال خویش خبطی دارد

روضه و مسجد شریف که عمارتیست سنگی نهایت استوار صرف باعث امتداد زمان چیزی تغیر در نقش و نگار - سلطان روم خلد الله ملکه بمقتضای بلند حوصلگی و نیز بپاس آداب دربار حسینی آن قدر تبدیل و تغیر نقوش وخطوط هم روا نداشته حکم بآن فرمود که تجدید این عمارت عالیه و ترمیم این امکنهٔ رفیعه کرده آید * راقم الحروف در همین حالت وارد مصر گردید و بچشم خود دید که سنگ تراشان فرهاد وار جان شیرین را مصروف سنگ

کنی کرده اند و صناعان هر دیار بشوق تمام در اظهار هنرهای خویش پرداخته - کسی در کار اسطوانات مرمری مشغول و کسی در بناء دیوار سنگی مصروف - و کسی رنگ آمیز نقش و جدار و کسی دیده ریز نقوش و نگار - کسی قطع تراش لوح زبرجدی و کسی کتابه نویس رنگ لاجوردی - و کسی مایل کار طلا و کسی در ذکر جلا * ای مشتاقان زیارت روضهٔ حسینی و ای محبان اهل بیت نبوی اگاه باشید که زیارت روضهٔ جناب وی رضی الله عنه صرف در کربلا بدون آنکه در مصر آیند و زیارت کنند بروجه تکمیل تمام نمی شود زیرا که مدفن راس مبارک که رئیس الاعضا است در مصر ثابت پس آنانکه در کربلا زیارت کنند اگر قصد تکمیل این سعادت دارند باید که سفر مصر هم برخود لازم گیرند تا نقصانی باقی نماند - و همچنان زایران مصر را تکمیل در کربلا باید کرد که دفن بقیهٔ لاش مبارک در کربلا بلا اختلاف ثابت - اگرچه بعضی علما گفته اند که جسد از سر شهدا فراق دایمی نتواند گزید - وشهدا به نص قطعی حکم احیادارند چگونه باشد که کسی بی سر که رئیس الاعضا است تواند زیست * و ازینجا است که صاحبدلی از عاجز میفرمود که اگرچه جسد اقدس امام رضی الله عنه بچشم ظاهر در کربلا مدفون شد لیکن در عالم آخر میلان کرد بسوی سر مبارک و تشریف شریف ارزانی داشت در مصر والله اعلم بالصواب ، درین رازهای سربسته و اسرار نهفته اولی است که لب نه بنهایتم - و ما ظاهر بینان را اگر توفیق رفیق باشد

هردو جا روی زیارت آریم * عاجز تا اقامت مصر بر خود لازم گرفت
که یکبار روزانه بر آستانهٔ رحمت کاشانه حاضر میشدم و چندانکه
میتوانست بر روضهٔ اقدس که مقام استجابت دعا است ذات
پاک امام رضی الله عنه را بدرگاه حق سبحانه و تعالی وسیله آورده
بالاجمال و نیز بالتفصیل برای خود و آبا و اجداد و امهات و اخوات
و عمات و خالات و اخوان و برادران و خویشان و دوستان
و اساتذه و شیوخ کرام و اهل ملاقات و جمیع مؤمنین و مؤمنات
و مسلمین و مسلمات دعاء حسن خاتمه و مغفرت میخواستم
ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم * بعد ازان زیارت کردیم
سیدتنا زینب رضي الله تعالى عنها اخت الامام و سکینه بنت الامام
را رضي الله تعالى عنها - فضایل این بزرگواران اهل بیت معلوم
هر اعلی و ادنی و مذکور آیهٔ قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة فى القربى *
روضهٔ هریک ازین بزرگوار عمارتیست عالیشان و مانند روضهٔ امام
رضی الله عنه آماده از جمله سامان - علی الخصوص روضهٔ مطهرهٔ
جناب سیدتنا زینب رضی الله عنها را که مرمت جدید کرده اند طمطراق
آن رشک افزای فردوس برین و نقش و نگار آن حسرت
افزای ارژنگ چین - الحق که عمارتیست نهایت متبرک و
مکانیست کمال مبارک * پس از زیارت سیدتنا نفیسه
بنت امام حسن مثنی رضي الله عنها مشرف شدیم او از اکابر
اولیاء و اعلی ترین اصفیا در عصر خود بوده - مناقب آن سیده و

مراتب آن حضرت عفیفه بسو بزرگ بوده است - حضرت شان معاصر حضرت امام شافعی علیه الرحمة بود مجاہدات و ریاضات و خوارق عادات جناب ممدوحه چنانکه در بعضی رسائل از نظر عاجز گذشته کمال ترقی دارد * روایت است که جناب سیده سی سال پیاپی در حالت صوم گذرانید و افطار نفرمود - چون مرض موت باستهال دامنگیر شد طبیب با فطار عرض داشت فرمود که این روز را بمحنت سی سال بکف آورده ام و بحضرت حق تعالی دعا کرده بودم که از پنجهان فانی صایم بمیرم تو میخواهی که محنت سی ساله مارا بیکدم برباد دہی - غرض افطار نفرمود در حالت صوم ازین دار فانی بخلد برین رحلت نمود * روایت است که در صومعهٔ که جناب سیده عزلت نشین بود و عبادت حق تعالی میفرمود امام شافعي عليه الرحمة بزیارت وی می شتافت و سماع حدیث از جناب وی میفرمود و چون امام شافعی علیه الرحمة بیمار میشد مردم پیش وی برای دعا میفرستاد آنکس ہنوز مراجعت نمیکرد که او شفا می یافت - چون امام علیه الرحمة را مرض موت دامنگیر شد حسب عادت کس پیش جناب سیده فرستاد او فرمود که متعه الله بالنظر الى وجهه الكريم يوم جزاء - چون اینخبر بامام رسید دانست که این مرض موت است وصیت کرد که جنازه اش را در حضور جناب سیده ببرند پس ہمچنان کردند - جناب سیده بروی نماز گذارد و بعد اتمام نماز ہاتف غیبی

نداداد که حق سبحانه تعالی بخشید انان را که بر شافعی نماز کردند
و بخشید شافعی را ببرکت آنکه جناب سیده بروی نماز کرد *

رحمت حق بها نمیخواهد * رحمت حق بها نه میخواهد

و همچنین حالات جناب وی بسیار است تفصیلش را کتابی علیحده
باید این صفحهٔ قرطاس آنرا نمی شاید - در مدینهٔ طیبه مناقب کبیره در
روز حول جناب ممدوحه میخوانند * واضح باد که دیگر بسیاری از اهلبیت
نبوی صلی الله علیه و سلم و دیگر اکابر در مصر مقام دارند که از
تفصیل ذیل واضح - وانچه قبه را منسوب بروضهٔ حضرت رقیه کنند
و گویند که جناب وی نیز اخت سیدنا امام حسین رضي الله عنه
است - و قبهٔ دیگر منسوب به بنت دیگر جناب امام رضي الله عنه کنند
و عاتکه نام نهند راقم الحروف را تحقیقش نرسیده و در
مصر از ثقات نشنیده و الله اعلم بالصواب * این زیارتها که مذکور شد
هرچند اندرون شهر واقع لیکن چون بلد بنفسه عظیم است و مقام
زیارات متفرق پس از تباعد محله هرکس نتواند که بی سواری
از یکمقام بمقامی دیگر شتابد الا در بعض محال - و بدست آمدن
سواری بگی و فتن وگادی در مصر خیلی آسان و هرلحظه چون
کلکته مهیا باساز و سامان - روزی بزیارت امام شافعی علیه
الرحمة رفتیم روضه‌اش از شهر چیزی فاصله دارد - و سوای
بزرگان متذکرهٔ صدر اکثر اماکن متبرکه و مشاهد اهل بیت
نبوی صلی الله علیه وسلم و دیگر اکابر و اولیاء در مصر محال زیارت

است باین تفصیل :: مشهد راس زید شهید یعنی ابن امام زین العابدین رضی الله عنهما ولم یبق له رضی الله عنه غیر راسه التی بمشهد الذی بین الکومین بمصر بطریق جامع ابن طولون و برکة الفیل و هو یعرف بمسجد محرس الخصی - هکذا فی الخطط * و آورد سر مبارک را در مصر هشام بن عبد الملک در سنه ۱۲۲ یک صد و بست و دو هجری بتاریخ دهم جماد الاخری روز یکشنبه - اکنون اهل مصر نشان نمیدهند شاید کسی از علما دانسته باشد * قبر سیدتنا کلثوم بنت القاسم بن محمد بن جعفر الصادق بن محمد باقر بن علی زین العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب رضی الله تعالی عنهم - موضعه بمقابر قریش بمصر بجوار الخندق - وهی ام جعفر بن موسی بن اسمعیل بن موسی الکاظم ابن جعفر الصادق کانت من الزاهدات العابدات - کذا فی الخطط * سجن سیدنا یوسف علیه السلام - علامهٔ مقریزی حدیثی بکمال بسط نقل کرده است از سیدنا عبد الله ابن عباس رضی الله عنهما در فضیلت این مقام و محل استجابت دعا دران محل - چنانچه عاجز حسب نشان دهی بعضی کسان دران محل که داخل قلعه هست رفت آن یکی از عجائبات است که بطور باولی تا تحت الثرا از یک سنگ ساخته اند - مایان باشکال تمام باعانت روشنی دران خزیدیم - لیکن بعد ازان از ثقات بتحقیق پیوست که آن سجن یوسف علیه السلام نیست آن چاهی است از بنای یوسف صلاح الدین و سجن سیدنا یوسف علیه السلام در مصر قدیم

است بآن طرف دریای نیل و اکنون آن ویران است تعین آن مکان بکسی معلوم نیست * قبر سیدنا عبد الله الانصاري - این قبر در تحت است و محاذی آن بالایش قبری دیگر و بران نوشته اند که سیدي سارية الجبل غرض اینقدر معلوم میشود که آن قبر آن بزرگ است که در قصهٔ سارية الجبل امیر لشکر بودند * مسجد محمد علی پاشا البته بیاری آن از احاطهٔ اوصاف بری - و در گوشهٔ مسجد قبر پاشا منطا بغلاف زری - دیوار اندرون مسجد از سر تا پا عقیق ابری - یعنی جائی سفید و جائی زرد منظور نظر جوهری - سایبان مسجد سه جانب بر پایهٔ سنگ مرمری - هریکی صافی تراز رنگ پری - طول و عرض هر پایه خارج از تصور بشری * قبر نفيسة البكرية درگوشهٔ جامع ازهر [گویند که آن بنت سیدنا ابو بکر صدیق رضی الله عنه است] والله اعلم بالصواب * قبر سیدنا کعب احبار رضي الله عنه از تابعین - بیرون شهر مصر * قبر عبد الرحمن کنجی - بردری از درهای جامع ازهر * قبر مصنف عینی شرح بخاري - قریب مسجد ازهر * قبر مصنف قسطلانی شرح البخاري - قریب مسجد ازهر * قبر امام جلال الدين سیوطی علیه الرحمة - قریب مقبرهٔ امام شافعی علیه الرحمة * قبر شیخ امام ابو الليث علیه الرحمة - قریب مقبره مذکوره * قبر شیخ عبد الوهاب شعراني - مصنف میزان الشعرانی و بسیاری از کتب در علوم دینیه اندرون شهر *

قبور بزرگان به مقامات متفرق

الشیخ رملی کبیر * الشیخ رملی صغیر * سیدنا علی عم سید احمد البدري * محمد شمس الدین حنفی * الشیخ سرقاوي * الشیخ احمد دمنهوری * الشیخ خطیب شربینی * الشیخ علی دمنهوری * الشیخ الکفراوي * الشیخ ابو العفیفی * سید یوسف * شیخ الاسلام محمد الامیر * الشیخ ابراهیم باجوری * الشیخ علی شبرماسي * الشیخ النجروی * سید المصطفی البکری ابن کمال الخلوتی * سید الکردي * سید عبد الوهاب بغدادي * الشیخ حمد السمان * شیخ الاسلام ذکریا الانصاري * الشیخ ابوداؤد * الشیخ محمد الانوار * سید علی الجعفري عم سیدتنا نفیسة * الشیخ البیومی سید علي جوهري * سید احمد جوهري ابن عبد الصمد * سید عبد الکریم * سلطان عبد العزیز * سلطان عبد الله * سید محمد شمس الدین * سید جعفر الصدیق * الشیخ بلقینی * الشیخ تاج الدین * الشیخ یونس * الشیخ ابو العمیله * در حوالی روضهٔ امام شافعی علیه الرحمة مقبره ایست چون صحرای رستاخیز کبیر - و مانند دشت قیامت مجمع بسی برنا و پیر - اینچنین مقبرهٔ وسیع و مملو از قبور شریف و وضیع از نظر نگذشته - ندانم که از بدو فطرت عالم اموات تمام روی زمین را مدفن اینجا است یا هجده هزار عالم را مقام شیون در اینجا - الغرض کثرت قبور دلیل برانست که این شهر نهایت قدیم است و الی الان کمال عظیم - عمارات عالیه بسیار از بسیار و امکنهٔ رفیعه بیرون از حد شمار مساجد

سنگی لا تعد ولا تحصی و زاید از سه هزار بقیاس استقرا
و هر مسجد قلعه ایست جلیل الشان وحصنی است قوی البنیان
وسعت و فسحت هریکی خنده بر دل کرمان و بشکک بر دشت
نریمان میزند دیوار مساجد در رفعت از قله کوه در گذشته و
در عرض از قله تا بدامن کوه رسیده جز سلاطین ماسبق کرا همت
که بدینمط خشتی باب وگلی زند و سنگ زیرهٔ بدیوار نهد
علی التخصیص جامع از هر اشهر المساجد است دوازده هزار و بروایتی
هفت هزار طلبهٔ علم و پانصد علماء وحید عصر و فضلاء فرید دهر دران
مسجد هر لحظه و هر آن مصروف درس و تدریس و هزاران
صلحا و اتقیا مشغول تسبیح و تقدیس پس ازین مختصر
مفید قیاس باید کرد اهتمام و انتظام هریک امور را از احکام
امکنه و مدارس و حجرات و خلوهای هریکان در حوالی مسجد و
تمشیت امور اینها از ماکل و مشارب و مصارف و غیر
ذلک طلباء دیار بعیده و اقالیم عدیده بشوق تحصیل علوم جمع آمده
جان بازیها می کنند دلیل و نهار بکسب فنون محنت و مشاق برتر
میدارند و کفاف از دربار سلطانی می یابند الحق که درین زمان
دارالعلم مصر است و بس * بیرون مصر باغیست مسمی به شبره
بضم شین و سکون باء موحده - مشتاقانه تا انجا رفتیم چون بساتین
هند یاد آوردیم بشهرت این تعجب کردیم

تو و طوبی و ما و قامت یار * فکر هرکس بقدر همت اوست

آبادی و شادابی سرزمین مصر البتہ از مسلمات لیکن بالخصوص دریں باغ نہ چیزی از تکلفات و نہ از نوادرات آوازِ دہل از دور خوش است *

فصل پنجم

در احوال زیارت سیدنا احمد بدوی قدس سرہ
بمقام طندتا و سرسبزی و شادابی زمین مصر

راقم الحروف چہار روز در مصر مقیم ماندہ قصد زیارت سیدنا احمد البدوی رضی اللہ عنہ کردہ و قبل العصر بر ریل سوار شدہ نماز مغرب در طندتا خواندہ و آن نصف طریق است از مصر تا اسکندریہ یک شبانہ روز درانجا اقامت ورزیدہ از زیارت جناب سید احمد بدوی و دو بزرگان از یاران شان یکی شیخ مجاہد و دیگری شیخ عبد العالی کہ قریب روضۂ آن حضرت در قبہ ہای جداگانہ مدفون اند مشرف گشتہ - بدانکہ طندتا قصبہ ایست مختصر و دلچسپ اجناس ماکل و مشارب از نان و پنیر و شکر و شیرو غیرہ ہر قسم در بازار موجود - خربزہ و حب بکثرت در وجود - روضہ مقدسہ آن دریگانۂ بحر معرفت شبریستان حقیقت عالم اسرار وحدت کاشف رموز طریقت سر دفتر فلو سیان سالار سبوحیان مرکز دایرۂ اخلاص منظر مدارج قرب و اختصاص ظلمت زدای خاطر شبہ درونان زنگ ربای سینۂ تیرہ دلان

مقبول بارگاه الهی منظور نظر کبریائی سرخیل اولیاء آفاق
سرحلقهٔ صاحبدان اهل مذاق منبع فیوض ظاهری و باطنی مظهر
تجلیات صوری و معنوی سید احمد البدوی رضی الله تعالی عنه
در وسط آبادی طندتا واقع و هم پهلوی روضهٔ اقدس مسجد
سنگی باکمال عظمت و رفعت پیراسته اگر درین مقام در
تعریف روضه و مسجد سرزنم از ما نحن فیه خارج میشوم لهذا
برین جزوی اکتفا میورزم که این مسجد و روضه را نیز در علو
عمارت و شان و شوکت بجنب مساجد و روضه‌های دیگر بزرگان
که در کیفیات مصر بیان شد باید شمرد انتظام و اهتمام اینجا
از دربار سلطانی علاقه ندارد بلکه مداخل هزارها روپیه ماهانه از آراضی
و ساتین و بیوت و دکاکین اوقاف که از زمان سلف امرا
و ملوک عرب نذر مسجد و روضه کرده اند می آید بالفعل مسجد
و روضه مجددا مرمت میشود قیاس حاکم حوصلگان چنانست که
زاید از ده لک روپیه در مرمت خرج افتد جمله اسطوانات
که تمام مسجد بر همان قایم است سنگ مرمراست بی اوصال
و دیوار مسجد از رخام مصفی در غایت حسن و جمال مکان
حوض و مطهره در پهلوی مسجد عمارتیست جداگانه جمله سامان
و حوائج متعلقهٔ مسجد و روضه هریکی از دیگری یگانه زاید از ربع
و کم از نصف مرمت مسجد فراغت کرده اند و کاریگران هردیار
جوق جوق بعمارت پرداخته متولی مسجد که نامش بتحقیق نرسیده

صرف همت درین کار میفرماید و چندانکه می تواند هداخل او قاف را درین کار می آرد جناب حضرت وی را رضی الله عنه در ملک عرب رتبه بس بزرگ بوده است و در اکثر کتب فضایل حضرت مذکور است واحوال و مناقبش را اکثری از اولیاء و علما در کتب مبسوطه نقل کرده اند و تا اینم در طند تا کرامات عجیبه ظاهر ظاهر است تفصیل آن درین مقام موجب تطویل کلام بروز حول یعنی عرس حضرت اجتماع خلایق را بعضی برابر اجتماع حج و بعضی زاید با راقم الحروف نقل کردند موسم عرس را قریب یکماه باقی بود که راقم در طند تا رسید تعداد کرایهٔ ریل از مصر تا طند تا از ذیل باید دریافت درجهٔ ثانیه فی کس چهل قروش درجهٔ ثالثه فی کس دوازده قروش وقتیکه از مصر راه طندتا گرفتم دیدم که زمین از نباتات سرسبز و شاداب بود کشت دهقان باج از حوالی اضلاع بردوان و ترهت میبرد لاله دران سبزه زار مینای اخضر می نمود گل درحسرت برخ سبز رنگان میکشود نسرین رنگ زمردی گرفته نسترین فیروزی گشته گردون دخانی از پرتو نباتات چون گردون گردان اخضرفام شیشهٔ دریچه هایش عینکی سبز بر چشم هرخاص و عام الحق که زمین مصر درحق موالید حبوب بی نظیر و نمونهٔ دیار کشمیر از تحقیق بسمع رسید که کاشتکاران نام اراضی افتاده ندانند و زمین را از زرع و حرث گاهی فارغ ندارند لیل و نهاری کارند و بر می

بردارند - باران در مصر نبارد سیرابی زمین صرف از دریای نیل تعلق دارد در موسمی معین بی بارش و باران نیل بجوش آید و چون دایهٔ ابربهاری اطفال نباتات را شیر آبحیات بخشد * عاجز که در ماه سانون وارد مصر گردیدم از مردمان شنیدم که موسم جوش را ده پانزده روز باقیست - و لطف اینست که یکبار در هر سال جوش زند و تمام روی زمین را بقدر حاجت سیراب کند - زمینش چون تختهٔ چمن هموار و نمناک - کشتش از نشیب و فراز پاک - جابجا جویهاے صغیر که مستزاد دریای نیل توان گفت چون خیر کریمان جاری - و بوقت حاجت شدیده مزارعان باسانی تمام ازان جو مصروف آبشاری - و همچنین است حقیقت شادابی تمام ارض و بوم مصر * عاجز که از مصر تا اسکندریه برریل گذر کردم قدر نقطهٔ موهوم نیز زمین از نباتات و حبوب خالی ندیدم و در اثناء راه قرای کبیره بتفرقه قلیله بسی از نظر گذشته هرقریه از کثرت بیوت و اکنه پخته و خام آباد - وآن دلیل است برینکه رعایای دیه خورم و شاد - و مکان در طندتا قریب روضهٔ حضرت احمد بدوی قدس سره عاجز را میسر آمد وآن مسمی است بوکاله که مراد ازان همان تکیه و خاوه باشد فرق و تغییر لفظ است و مقدار کرایه فی خاوه هرروز ده قروش و بس *



فصل ششم

در رسیدن شهر اسکندریه و زیارت سیدنا دانیال علیه السلام و حضرت
بوصیری صاحب قصیدهٔ برده و اسکندر ذوالقرنین و دیگر بزرگوار
مقام مذکور - و تصحیح و ملاحظهٔ تجدید تذکره درین مقام *

بالآخر از طنطا قبل دو پهر رخت سفر بستیم و بر ریل سوار شدیم نماز
ظهر آخر وقت در اسکندریه خواندیم اینجا نیز اگرچه مکانات مسمی بوکاله
و هم قهوه خانه میسر لیکن باعث معیت زنان مکان علیحده بتوسط شخصی
مسمی عبد الله شراره بذریعه خط حاجی فرج یسر صاحب کرایه گرفتیم
و سه چهار روز اقامت کردیم - دو ریال بابت مکان زنانه و
همچنان نسبت مجالس مردانه کرایه دادم - کیفیت بلده اسکندریه
قابل تحریر نیست که اینست مجمع نصاری و یهود - و محل هزاران
کفار مردود - اگرچه حاکم اینجا سلطان روم - لیکن کفرهٔ روس
و فرانسیس و نصاری و یهود حاوی این مرزوبوم - ازینجا ولایت
نصاری و هم استنبول پای تخت سلطان روم دام ملکه
قریب است و دایما مراکب دخانی از طرف اکثر قوم نصاری
یعنی روس و فرانسیس وغیره آمد و رفت دارد - زایران بیت المقدس
را دریافا که ذکرش آینده می آید فرود می آرد - و روندگان دمشق
و حلب را در مقام بیروت نازل میکند - مقامات و زیارت در دمشق
که مراد از خاص شهر شام است بسیار لیکن عاجز باوصف قرب

باعث میت سواری زنانه فراغ رفتن آن مقام نیافت و از استنبول کاری نمیداشتم چرا میرفتم و در ولایت نصاری حق تعالی کسی مسلمان را نه برد - در دمشق زیارت حضرت بلال و حضرت ابوهریرة رضي الله عنهما و حضرت محی الدین ابن عربی قدس سره صاحب فتوحات و مولانا خالد نقشبندي قدس سره مشهور و معروف است - از متبرکات شهر اسکندریه همین قدر است که بزرگان مفصله ذیل آرام فرمای این زمین اند * الحمد لله که راقم از زیارت ایشان مشرف گردید تعداد کرایه ریل از طنطا تا اسکندریه به مثل انکه از مصر تا طنطا *

قبور بزرگان در بلد اسکندریه

حضرت شرف الدین بن سعید بوصیري صاحب قصیدهٔ برده - روضهٔ ایشان را بسیار پرتکلف عمارت کرده اند و قصیدهٔ برده بر دیوار روضه و مسجد نهایت خوشخط و خوب بآب زر بالاستیعاب نوشته اند - یک چهار گاهی اندرون مسجد متعلقهٔ روضه دیدم که چهار گاهی آنچنان تا این عمر در کلکته و مرشدآباد و هوگلی و نیز در اقالیم عرب که بسیاری مقامات پرتکلف است ندیده بودم و شاید کسی جز این مقام ندیده باشد - حضرت مولوی شاه محمد عمر صاحب قبله و مولوی ابوالحسن صاحب باوصف مشاهدهٔ تکلفات دهلی و لکهنؤ و دیگر بلاد هند متفق اند که این چنین چهار گاهی از نظر ما هم نگذشته بود باعث اختصار از تحریر کیفیت آن متعذر *

حضرت سید احمد ابوالعباس المرسي تلمیذ شیخ ابوالحسن شاذلی صاحب حزب البحر و دو پسران اوشان سید محمد و سید احمد زمانهٔ اوشایان را ششصد سال گذشت * سید علی بن محمد خزرجی * سید عمر بن علی الفاکهاني - شارح رسالهٔ فقه فی مذهب امام مالک رحمة الله علیه و نیز شارح اکثر متون فقه در مذهب دیگر ایمه * سید یاقوت العرشی از یاران سید احمد - ابو العباس و نیز فیض صحبت حضرت سید احمد بدوی یافته * نبی الله دانیال علیه السلام - مزار اقدس در تهخانه واقع و بالای آن مسجد مکلف آراسته * حکیم لقمان رضي الله عنه - درحقیقت قبر اینجا نیست اثری از انار شان است قبر قریب مقام لد است که ذکرش خواهد آمد * شیخ یعقوب قدس سره - شیخ صقرح قدس سره - شیخ عبد الرزاق قدس سره - اسکندر ذو القرنین - قبر ایشان در بستان بی تکلف و بی سامان محل عبرت انسان - کجاست آنجاه و حشم و چه شد آن لشکر و خدم * واضح باد که افراد تذکره که از مکهٔ معظمه از دفتر سلطانی عنایت میشود و ذکر آن بالا در گذشت لازم که در اسکندریه برمعاینهٔ کارگذاران محکمهٔ آنجا که بکنارهٔ دریا واقع است بگذرانند - تا آنها حسب قواعد سرشتهٔ خودها در دفاتر سیاهه کرده مزین بمهر و دستخط خودها نموده ورقی دیگر از سرشتهٔ خود منضم بان نمایند و نیز یک کاغذ جداگانه در زبان ترکی علیحده دهند - تا انکه تکمیل تذکره بدینمط نکنند سفر بیت المقدس خصوصا مراجعت

از آنجا و دخول در اسکندریه و غیره محال است - تذکره دلیل است برانکه صاحب آن مجاز است بدخول و خروج حدحکومت سلطانی و اهل تذکره مستثنی است از اعدا و خفیه نگاران سلطنت روس و فرانسیس و نصرانی - و بدین جهت وقت دادن تذکره تحقیقات سرسری برند و بدون ضمانت و معرفت یکی از اهل عرب محض اجنب را تذکره ندهند - لیکن درین کارها مشکلی نیست درچشم زدن طی میشود و جز چند قروش هیچ خرج نمی افتد - تذکره راکه از مکهٔ معظمه می آرند و بدان ورقی دیگر در اسکندریه می چسپانند آنرا وقت مراجعت در یافا مهتمان مرکب دخانی میگیرند و مفوض بر رئیس مرکب کنند و افراد منفرده وجداگانه را همچنان در دست مسافر گذارند - چون مرکب در اسکندریه رسید رئیس آن فورا افراد تذکره را در کارخانهٔ اسکندریه فرستد و از همان کارخانه نازلین مرکب را راه شهر دهد - کارگذار کارخانه نام مسافر از تذکره مقابل کرده بذریعه پرچهٔ علیحده رخصت خروج از یک دروازه فرماید - و هرروز دیگر باید که مسافر افراد منفرده را که بدست اوست دران کار خانه ببرد و دران هم نام مسافر مطابق تذکرهٔ مکه معظمه مندرج است - پس کارگذاران انجا تذکرهٔ مکه معظمه واپس کنند و فرد موصولهٔ سابقه خود را ازان بتراشند و فرد منفرده را واپس کرده بجای ان فردی جداگانهٔ جدید دهند *

فصل هفتم

در روانگی از اسکندریه بطرف یافا بر مرکب دخانی و اقامت بمکان

سید عبد الغني وفا

بدانکه عاجز چهار روز در اسکندریه اقامت ورزیده بر مرکب دخانی ازان قوم نمساکه [این هم یکی از طایفهٔ نصاری باشند] بادای کرایهٔ مرکب و باخذ تذکرهٔ دیگر که آن صرف نسبت ادای کرایه مرکب می باشد سوار گردید و در یک شبانه روز در بندر یافا رسید - کرایهٔ مرکب در اسکندریه سرکس بحساب چهار ریال چیزی زاید دادیم و بر سطح مرکب ماندیم و برای مستورات یک کوتهری ازان کوتهریهای بعضی کارگذاران مرکب گرفتیم - دستور این جهاز چنانکه چند کوتهری به تحت تصرف بعضی اعظم عهده داران مرکب برای راحت و آسایش آنها معین و مالک مرکب را دران تعرضی نه متصرفان کوتهری از طرف خود بکرایه میدهند و بجای خویش می نشانند و نفع آن می جشند و خود بر سطوح دیگر حوالی و جوانب مرکب گذر می کنند - لیکن این امر مشروط است باینکه راکب جهاز کرایهٔ مالک بابت ادای درجه اداکرده باشد - چرا که سواری برجهاز بدون ادای کرایهٔ اصل مالک ممکن نیست - بدین سبب نسبت مستورات نیز بحساب مند کرهٔ صدر کرایه داده سوار شدیم و مقام اقامت مستورات در کوتهری

کردیم دو گینی مجیدی طلائی که قیمت هر دو تخمینا نهه ریال
چیزی کم و بیش میشود بمتصرف کوتهری دادیم - در یافا
تماشای اسباب و معاینهٔ تذکرهٔ اولی میشود و تذکرهٔ که نسبت
ادای کرایهٔ مرکب است آنرا رئیس مرکب هنگام قرب
منزل مقصود از اهال تذکره وا پس میگیرد - و همچنین دستور
جمله مراکب دخانی است مرکب از اسکندریه تا یافا بیک
شبانه روز رسد و آن بندرگست صغیر خوش اسلوب
اشیاء ماکل و مشارب از هر جنس موجود - علی الخصوص
قسمی از نان خمیری نادر الوجود - و سیب و انار و گولر و انجیر
و انگور و خربزه در غایت ارزانی - باغات فواکه به نهایت فراوانی -
مسجدی جامع اندرون شهر واقع این مسجد مشتمل است
بر دو دروازه یکی شمالی دیگری جنوبی - بر در شمالی حوض و مطهره
کثیر و محال خروج و دخول عامه خلایق - و متصل باب جنوبی وکالهٔ
عبد الغنی و فا او نهایت مرد لایق ذی مروت و خلیق و برحال
مسافران شفیق مردم زنده دل و بشاش - تاجر بعضی قسم
ثیاب و قماش - در یافا مکان برای سکونت میسر نه آید الا بمشقت
تمام عاجز سه منزل کوتهری کرایه گرفته سه روز درانجا مقیم
مانده و ودنیم ریال کرایه داده بسوی رمله که مقام میست بس
متبرک رخت سفر بسته *



فصل هشتم

در روانگی از یافا بطرف رمله و زیارت سیدنا صالح و سیدنا ایوب علیهما السلام و سیدنا فضل ابن عباس و ام الفضل و دیگر بعضی صحابه علیهم الرضوان و سیدنا عبد الرحمن بن با یزید بسطامی و سیدنا صالح ابن محبوب سبحانی و امام نسائی و دیگر بسیار بزرگواران قدس الله اسرارهم *

بعد نماز ظهر از یافا سوار شدیم و آخر عصر در رمله رسیدیم * بدانکه بیت المقدس از یافا فاصلهٔ دو از ده سیزده کروه دارد و تا رمله بلکه تا قریهٔ قباب که نصف الطریق است راه هرگونه صاف و پاک است و بعد ازان کوهها و مغارات هولناک - و سواری از یافا جز بغال و حمار یا اسپان رهوار دیگری مروج و معمول نیست - و اگرچه شتران بکثرت مهیا لیکن از کار سواری مطلق معرا چراکه شغدف و شبری حسب قواعد دیار حجاز درین محال ناپیدا و برای زنان دو شغدف چوبی صغیر هر دو طرف بر بغال بندند و همین طور تا بیت المقدس رسانند - چون فاصلهٔ قلیل واجر کثیر هر کز مختی متحیان نمیشود نشیب و فراز کوه را از قباب تا بیت المقدس که زاید از شش کروه نیست عسیر الانقطاع نباید شمرد و نرد همت نباید باخت لیل و نهار مسافران را گذرگاه است و زایران بیت المقدس را همین راه - آب سرد

جا بجا در فزای جبایه و بساتین عنبه طراوت افزای زبان وکام -
وجائیکه خواهند در سایهٔ درختان زیتون و غیره محال آسایش
و آرام - اگرچه ساکنان این دیار قطع منازل اکثر در شب
معمول دارند لیکن ساکنان دیار غریب خصوصا اهل هند را
که ضعیف القوی می باشند نباید که بشب از یافا رخت سفر
بندند بلکه بروز روشن گذر نمایند - و با مالک بغله و حمار و غیره
که آنرا مکاری گویند وقت تقرر کرایه شرط توقف و اقامت
اثناء راه بنظر حصول زیارت وآسایش و راحت باید نمود - غرض
زمام اختیار نسبت اقامت اثناء راه و غیره بدست اهل بغله
نباید گذاشت * عاجز با جماعه کسان در رمله در حجرهٔ مسجد که از
متعلقات روضهٔ اقدس سیدنا فضل ابن عباس عم رسول صلی الله
علیه وسلم است براحت تمام یکشب و روز بسر کرده و از زیارت
آنجا مشرف گشته * رمله مقامیست بس عالی و مجمع بسی اکابر
و ولی - مسجدیکه در گوشهٔ آن مدفن سیدنا صالح علیه السلام
است طول و عرض و شان و عمارت آن اگر قریب نصف
مسجد اقصی که ذکرش متعاقب می آید گویند بجاست لیکن
افسوس که آن مسجد بالکلیه ویران - و در و دیوارش از هرجا افتان -
اکنون محال نباتات و حشرات الارض - نه مقام ادای نوافل و فرض *
یافا را فلسطین هم نامند و در کتب تواریخ ذکرش بسیار آرند از سوادش
مستنبط که بزمان پیشین بلد عظیم الشان و مجمع انبیا و اولیای

ذوی المکان بود- صاحب انس الجلیل فی تاریخ القدس والخلیل بسی از حقایق مساجد و مدارس و خیرات و برکات فلسطین حکایت کرده است لیکن عاجز و سعت ملاحظهٔ تفصیلی نیافت *

مقامات زیارت در رمله

قبر نبی الله سیدنا ایوب علیه السلام خارج بلد در گنبد ویران * قبر نبی الله سیدنا صالح علیه السلام در گوشهٔ مسجد متذکرهٔ بالا * و در تهخانهٔ مسجد قبور جهل کس غازیان خارج از بلد * قبر سیدنا فضل ابن عباس رضی الله عنهما یعنی ابن عم رسول الله صلی الله علیه وسلم من الصحابة متصل بلد * قبر سیدنا زین رضی الله عنه من الصحابة قریب سیدنا فضل ابن عباس رضی الله عنهما * قبر هفده بزرگان از بدریین رضی الله عنهم یعنی از جملهٔ آنها که در جنگ بدر بمعیت رسول مقبول صلی الله علیه وسلم بودند من الصحابة در احاطهٔ علحده قریب مسجد متذکرهٔ بالا * قبر سیدتنا لبابة الکبری ام سیدنا فضل ابن عباس رضی الله عنهم من الصحابة خارج بلد در میدان بدون قبه * قبر سیدنا ابی صالح الفناس من الصحابة رضی الله عنه قریب بلد * قبر سیدنا امام البزاز من التابعین قدس الله سره قریب قبر سیدنا ایوب علیه السلام * قبر سیدنا عبد الرحمن ابن حضرت سیدنا بایزید بسطامی قدس سرهما داخل بلد * قبر سیدنا صالح ابن محبوب سبحانی قطب ربانی سیدنا عبد القادر جیلانی قدس الله سرهما داخل بلد * قبر سیدنا امام نسائی علیه الرحمة جامع سنن نسائی در جنب مسجد متذکرهٔ بالا * قبر حضرت

ابو الخجل علیه الرحمة بیرون احاطهٔ بحر * قبر سعد وسعید علیهما الرحمة از اکابر دین خارج بلد * قبر حضرت امام خیر الدین صاحب فتاوی علیه الرحمة خارج بلد * قبر عبد الله بطایحی علیه الرحمة خارج بلد * قبر سید قلجی علیه الرحمة خارج بلد * قبر سیدتنا حلیمة لاکن مشکوک چرا که حلیمهٔ سعدیه رضی الله عنها در مدینهٔ منوره مدفون غالب که حلیمهٔ دیگر باشد قریب البلد * قبر جعفر ابو العباس علیه الرحمة متصل بلد * قبر شیخ رسلان علیه الرحمة قریب البلد * قبر سید السطوحی ابن اخت سید احمد بدوی قدس سرهما * قبر سیدنا ابو سعید از اولاد سیدنا عمر ابن خطاب رضی الله عنهم داخل بلد * قبر سید نوران علیه الرحمة * قبر شیخ شهاب الدین رملی علیه الرحمة * قبر شیخ محمود عدوی علیه الرحمة خارج بلد * قبر سید صالح من السادات علیه الرحمة خارج بلد * قبر شیخ نجیب من المجاهدین قریب البلد علیه الرحمة * قبر شیخ ابو العون من اولاد سیدنا عمر بن خطاب رضی الله عنه * قبر شیخ ابو الهدی ابن شیخ ابو العون علیهما الرحمة * قبر حضرت علیجی علیه الرحمة از اولاد سیدنا عمر خطاب رضی الله عنه * قبر سید الزیلعی از یاران امام اعظم علیهما الرحمة * قبر شیخ البیای علیه الرحمة * قبر سید تقی الدین علیه الرحمة * قبر سید احمد الحمار من السادات علیه الرحمة * قبر شیخ ابو الودائع علیه الرحمة * قبر شیخ محجوب علیه الرحمه * بدانکه ما بین مقبرهٔ سیدنا صالح علیه السلام و حکیم لقمان علیه الرحمة مرویست که دوصد و پنجاه

نبی را مقام است علی نبینا و علیهم الصلوة والسلام لیکن اسماء
کسی معلوم نیست - زمین شام مجمع انبیا است * و زیارت
قبر حضرت حکیم لقمان که در اثناء راه بود از خطاء مکاری فوت شد
انشاء الله تعالی در سفر مراجعت بتلافیش خواهم پرداخت
و حقیقت آن آنوقت خواهم نگاشت شبانه روز در رمله مقیم
مانده رخت سفر بسوی بیت المقدس بستیم *

فصل نهم

در رسیدن بیت المقدس وبعضی فضایل آن مستنبط

از قران مجید واحادیث شریف

الغرض اوسط ظهر از رمله سوار شدیم وقت مغرب در اثناء
راه مخدومی جناب حکیم محمد اسمعیل صاحب یکایک بعارضهٔ
اسهال مبتلا شدند باعث پیری بسیار زحمت کشیدند گاهی میگفتند
که وقت ما آخراست وگاهی میفرمودند که لون ما متغیر گاهی کلمات وصیت
برزبان جاری وگاهی اشارهٔ ایاس ازین بیماری - عرضداشتم

* گر رنج پیشت آید وگر راحت ای حکیم *

* نسبت مکن بغیر که اینها خدا کند *

دران محل که شب تاریک و راه باریک جبال متراکمه زیر و بالا
سنگ ریزها زیرپا بود عجب حسرت افزود که نه پای رفتن و نه تاب
ماندن - کشان کشان وافتان وخیزان در قهوه خانهٔ باب الواد رسیدیم

اتفاقاً قهوه‌خانه از مسافران فارغ نبود اجتماع آنها چون مور و ملخ
مینمود ناچار زیر دامن کوه شب را سحر کردیم - درین عرصه حکیم
صاحب را سکون و اطمینان شد - صباح عنان عزیمت بسوی
بیت المقدس برداشتیم قریب دوپهر بحفظ و امان در تکیهٔ هندی که
شیخ یعنی رئیس آنجا مردی هندی عبدالله خوجه است فروکش
شدیم - نامبرده در اخلاق و راحت رسانی مرد معقول لیکن بیچاره
نه در طایفهٔ زنان و نه در زمرهٔ فحول - دران مکان سامان راحت
هرطرح آماده و هرچیز از ضروریات پیش او نهاده شهاریج متعدده
مملو از آب برف - مسجدی اندرون احاطهٔ تکیه نهایت شگرف -
درختان توت و انجیر در صحن سایه گستر - بوریاه غیره مسافران
را میسر - کسل راه بروز ورود فرصت زیارت بیت المقدس
که مراد از مسجد اقصی است نداد صباح زیارت کردیم دیدهٔ منتظر
را نوری و خاطر مشتاق را سروریکه حاصل شد اگر تمام زمین
صفحهٔ کاغذ شود نتوانم نوشت - مسجد شریف را اجنه تعمیر کرده اند
و سنگ را پرمور شمرده اند هرجا که خواسته اند کوهی از بیخ و بن
قایم کرده اند و در زمین تا طبقهٔ سابعه نام مشتی خاک
نگذاشته اند سجادهٔ سنگ برروی آب گسترده اند * مدح آن
انسان را چه لایق که آیات و احادیث صحیحه بران ناطق - شاعران
سخن پرور و منشیان معنی آور در مدح مساجد و دیگر مقامات
متبرکه مبالغه نسبت بمسجد اقصی آرند - و چون خاص مذکور مسجد

اقصی باشد مشبه به که اعلی از مشبه باید از کجا آید که کسی باستعاره و تمثیل بپردازد - اینجا زمین سخن سنگ زار وراه این دشت دشوار گذار است آداب سجه مانع قیل و قال و سکوت اولی در همه حال فضایل بیت المقدس در قرآن مجید بیشمار است و احادیث شریف درین خصوص بسیار - نبذی ازان تیمنا و تبرکا گوش گذار کرده می آید قال الله تعالیٰ سبحان الذی اسریٰ بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله * اگر گویند که اسرا در لغت بمعنی سیر شب آمده پس در آیهٔ شریف ذکر لیل چه فایده داده جواب اینست که حق تعالی لفظ لیلا را نکره آورده و تنکیر دلالت میکند بر بعضیت و قصر زمان پس معلوم شد که دران شب اندک زمان سرور عالم صلی الله علیه و سلم تشریف برد و رجوع فرمود با وصف آنکه از مکه تا بیت المقدس چهل روزه راه بود - و تائید میکند این فایده را قراءت سیدنا عبد الله بن مسعود وحذیفه بن الیمان رضی الله عنهما که درین آیت من اللیل خوانده اند یعنی بعض اللیل - کقوله تعالی و من اللیل فتهجد به نافلة لک که امر قیام در بعضی لیل است * نکته اگر گویند که چه حکمت است درین که حق تعالی حبیب خود را صلی الله علیه وسلم از مکهٔ معظمه اول در بیت المقدس رسانید و ازانجا بر آسمان ربود چرا دفعةً واحدةً بر آسمان طلب نفرمود - جواب اول اینست که بیت المقدس

محشر خلایق است پس حق تعالی شرف گردانید آنرا بقدوم رحمة للعالمین صلی الله علیه وسلم تا آسمان شود برامت وی وقوف میدان قیامت به برکت اثر قدم النبی صلی الله علیه وسلم * دوم اینکه بیت المقدس مجمع ارواح جمیع انبیا علی نبینا وعلیهم الصلوة والسلام است پس شرف گردانید حق تعالی آنها را بزیارت سرور کائنات دران محل - تا آنکه همه نماز گزاردند باقتداء سید الکونین صلی الله علیه وسلم واقرار کردند بر فضیلت و شرف حضرت صلی الله علیه وسلم - چون هر طرح تکمیل فضیلت گردید پس بمقام قرب و اختصاص طلب فرمود * سیوم انکه - از رفتن بیت المقدس مشاهدهٔ احوال وصفات آنجا گردید وکفار مکه که همیشه آمد و رفت بلاد شام برای تجارت میداشتند برای آنها معجزهٔ عظیم شد که صباح شب معراج حقایق آنجا از سرور عالم صلی الله علیه وسلم پرسیدند حضرت مطابق واقع خبر دادند انها ششدر وحیران ماندند * نکته - اگر گویند که حق تعالی فرمود بارکنا حوله و نفرمود بارکنا علیه او بارکنا فیه باوصف انکه برکت در نفس مسجد اقصی بیشتر است از خارج وحول آن * جواب اگر مراد برکت دنیوی است یعنی انهار جاریه و اشجار مثمره تا آن خارج مسجد است نه در نفس مسجد - و اگر برکت دینی مقصود است تا فایدهٔ تعمیم واشتمال پیدا کرد که مراد از حول تمام ارض شام و مقارب اوست و آن اوسع است از مقدار

بیت المقدس - و چون مبارک فرمود بقاع لواحق و توابع را بس برکت و شرف اصل شئ بطریق اولی از ان مفهوم بخلاف العکس قال الله تعالی واذ قال موسی لقومه یا قوم ادخلوا الارض المقدسة مراد ازان همین بیت المقدس است - و درین آیه شریف ونجیناه ولوطا الی الارض التی بارکنا فیها للعالمین بروایتی همین بیت المقدس مقصود است قال الله تعالی ان الارض یرثها عبادي الصالحون آخر قول اینست که آن زمین همین بیت المقدس است قال الله تعالی وآویناهما الی ربوة ذات قرار ومعین ابن عباس رضی الله عنه میفرماید که آن بیت المقدس است و همچنان قتاده وکعب رضی الله عنهما تفسیر کرده اند - وکعب رضی الله عنه بران دلیلي مذکور میفرمایند که ربوه بمعنی مکان مرتفع از زمین آمده و بیت المقدس هجده میل قریب است از آسمان نسبت زمین تمام دنیا - وگفته اند در معنی این آیه واستمع یوم ینادي المناد من مکان قریب که منادی اسرافیل علیه السلام است که نداء حشر خواهد داد از صخرهٔ بیت المقدس قال الله تعالی فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه مراد ازان بقولی بیت المقدس است و قوله تعالی وواعدنا کم جانب الطور الایمن مراد ازان همین بیت المقدس است وقوله تعالی ولقد بوأنا بنی اسرائیل مبوأ صدق اشاره بطرف همین بیت المقدس است وقوله تعالی اذ ناداه ربه بالواد المقدس طوی مراد همین بیت المقدس است * بدانکه سفر بستهٔ مقام

عبادت عظمی است و جمله حرکات و سکنات و هریک قدم
دران داخل طاعت است یکی مسجد بیت الحرام در مکه - دیگری مسجد
النبی صلی الله علیه وسلم در مدینه - سیوم مسجد الاقصی* قال النبی صلی الله
علیه و سلم لا تشد الرجال الا الی ثلثة مساجد المسجد الحرام
و مسجد الرسول [صلی الله علیه وسلم] والمسجد الاقصی روایت
است از انس ابن مالک رضی الله عنه من اتی بیت المقدس غفر له
و رفع له اربع درجات هرکه بیاید در بیت المقدس عفو کرده شود
گناهان او و بلند کرده شود رتبهٔ او چهار درجه - روایت است از
کعب رضی الله عنه ان لله عزو جل بابان مفتوحان فی السماء الدنیا
بحذاء بیت المقدس ینزل کل لیلة منهما سبعون الف ملک
یستغفرون لمن اتی بیت المقدس حق تعالی را دو دروازه مفتوح
اند در سماء زیرین بمقابلهٔ بیت المقدس که نازل میشوند هر شب
از هر دو در هفتاد هزار فرشته و آنها طالب مغفرت میکنند برای کسیکه
در بیت المقدس آید - و روایت است از انس ابن مالك رضی الله
عنه - عن رسول الله صلی الله علیه و سلم من زار عالما فکانما زار
بیت المقدس و من زار بیت المقدس حرم الله جسده علی النار
هرکه زیارت کند عالم را گویاکه زیارت کرد بیت المقدس را
و هرکه زیارت بیت المقدس کند حرام نماید حق تعالی جسد اورا
بر دوزخ - روایت است از کعب رضي الله عنه من اتی بیت
المقدس لحاجة لایسئل الله غیرها اعطاه الله ایاها هرکه آید

در بیت المقدس برای حاجتیکه سوال نمیکند از حق تعالی غیر آن حاجت بس بر می آرد حق تعالی حاجت او * روایت میکند عبد الله بن عمر و ابن عاص رضی الله عنه قال سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول صلواة فی بیت المقدس خیر من الف صلوة فیما سواه الا المسجد الحرام و مسجدی هذا گفت که شنیدم رسول الله صلی الله علیه وسلم را که میفرمود یک نماز در بیت المقدس بهتر است از هزار نماز در غیر آن سوای مسجد الحرام و مسجد ما * و ابو دردا رضی الله عنه روایت میکند از رسول الله صلی الله علیه وسلم قال فضل الصلوة فی المسجد الحرام علی غیره مائة الف صلوة و فی مسجدی الف صلوة و فی مسجد بیت المقدس خمسة مائة صلوة فضیلت یک نماز در مسجد حرام نسبت دیگر مقام یک لک است و در مسجد ما هزار نماز و در مسجد بیت المقدس پانصد نماز * و در روایت دیگر آمده گفت که صلوة فی المسجد الاقصی بعشرین الف صلوة یک نماز در مسجد الاقصی ثواب بست هزار نماز دارد * روایت است از مکحول رضی الله عنه من خرج الی بیت المقدس لغیر حاجة الا الصلوة فصلی خمسة صلوة صبحا وظهرا و عصرا و مغربا و عشاء اخرج من خطیئته کیوم ولدته امه هرکه برود بطرف بیت المقدس و کاری ندارد سوای نماز و ادا کند نماز پنج وقت یعنی صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا پس می بر آید از گناهان خود گویا که آن روز مادرش او را زائید * روایت است از مقاتل

رضي الله عنه من صام يوما في بيت المقدس كان له برائة من النار
هرکه روزه دارد یکروز در بیت المقدس حاصل شود اورا برائت از دوزخ *
و روایت کرده اند از دارمي قال - الیاس والخضر یصومان في بیت
المقدس و یوافیان الموسم في كل عام الیاس و خضر علیهما السلام روزه
میدارند در بیت المقدس و می آیند بموسم برای حج هرسال * روایت
است از ام سلمه رضی الله عنها قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
من اهل بحج او عمرة من المسجد الاقصی الی المسجد الحرام
غفرله ما تقدم من ذنبه وما تاخر ووجبت له الجنة فرمود رسول الله
صلی الله علیه وسلم هرکه احرام حج یا عمره بندد از مسجد اقصی بطرف
مسجد الحرام آمرزیده شود گناهان پیشین و پسین او و واجب گردد
برای او جنت - ذکر کرد این حدیث را دار قطني صاحب انس الجليل
ذکر کرده که سیدنا عمر خطاب رضي الله عنه و سیدنا عبد الله ابن عمر
رضي الله عنهما از بیت المقدس احرام بستند * روایت است از
ابن عمر رضي الله عنهما عن رسول الله صلی الله علیه وسلم من احرم من
بيت المقدس قدم مكة مغفورا از رسول الله صلی الله علیه وسلم هرکه
احرام بندد از بیت المقدس داخل شود در مکه مغفور * و در روایت
دیگر از ابن عمر رضي الله عنه عن رسول الله صلی الله علیه وسلم من احرم
معتمرا في شهر رمضان من بيت المقدس عدلت عشر غزوات
مع رسول الله صلی الله علیه وسلم هرکه احرام عمره بندد در شهر
رمضان از بیت المقدس گویا که برابر می شود ده جهاد را بمعیت

رسول الله صلی الله علیه و سلم * روایت است از جابر رضي الله عنه - ان رجلا قال یا رسول الله اي الخلق اول دخولا فی الجنة - قال - الانبیاء - قال یا نبي الله ثم من - قال - الشهداء - قال یا نبي الله ثم من - قال موذنوا بیت المقدس - قال یا نبي الله ثم من - قال موذنوا مسجدي - قال یا نبي الله ثم من - قال - سایر المومنین علی قدر اعمالهم شخصی پرسید یا رسول الله صلی الله علیه و سلم - اول خلق کدام است که داخل خواهد شد در جنت - فرمود که انبیاء علیهم السلام - گفت یا نبی الله بعد ازان کدام - فرمود شهدا - گفت یا نبی الله بعد ازان کدام - فرمود موذنین بیت المقدس - گفت یا نبی الله بعد ازان کدام - فرمود موذنین مسجد ما گفت یا نبی الله بعد ازان کدام - فرمود سایر مومنین حسب اعمال خود ها * روایت است از حسن بصري رضي الله عنه من تصدق فی بیت المقدس بدرهم کان فدائه من النار و من تصدق برغیف کان کمن تصدق بملأ الارض ذهبا هر که صدقه کند در بیت المقدس یکدرهم فدیه او خواهد شد از دوزخ و هر که صدقه دهد یک نان گویا که صدقه داد طلا بروی زمین گسترده * روایت است از سیدنا علي بن ابي طالب رضی الله عنه - عن رسول الله صلی الله علیه و سلم سید البقاع بیت المقدس - و سید الصخور صخره بیت المقدس از رسول خدا صلی الله علیه و سلم که سردار زمین بیت المقدس است و سردار صخور صخرهٔ بیت المقدس * مخفی مباد که ذکر صخرهٔ شریفه متعاقب بالتفصیل می آید * روایت است از کعب رضي الله عنه

من مات فی بیت المقدس فقد جاز الصراط و ان المقبور فی بیت المقدس لا یعذب هر که بمیرد در بیت المقدس بی تامل گذر خواهد کرد بالصراط را و مدفون بیت المقدس عذاب نکرده خواهد شد روایت است از وهب بن منبه رضی الله عنه من دفن فی بیت المقدس فقد نجی من فتنة القبر وضیقه هر که دفن کرده شود در بیت المقدس پس نجات یافت از فتنهٔ و تنگی گور * روایت است از خلید ابن دحلج قال سمعت الحسن رضی الله عنه یقول من دفن فی بیت المقدس فی زیتون الملة فکانما دفن فی السماء الدنیا گفت که شنیدم از حسن رضی الله عنه که میفرمود هر که دفن کرده خواهد شد در بیت المقدس در زیتون المله گویا که دفن کرده شد در سماء دنیا * روایت است از وهب بن منبه رضی الله عنه - قال اهل بیت المقدس جیران الله وحق علی الله تعالی ان لا یعذب جیرانه ساکن بیت المقدس جیران حق تعالی هستند و لازم گرفت حق تعالی برخود که عذاب نکنند جیران خودرا *

فصل دهم

در وجه تسمیه و تعداد اسماء مسجد اقصی *

سمی الاقصی لبعد المسافة بینه و بین المسجد الحرام وقیل کان هذا ابعد مسجد عن اهل مکة فی الارض یعزم بالزیارة - وقیل لبعده عن الاقذار والخبایث * روی انه سمی الاقصی لانه وسط الدنیا لایزید شیئا ولا ینقص - هکذا ذکر صاحب انس الجلیل فی تاریخ القدس و الخلیل *

اسماء بیت المقدس

ایلیا بهمزهٔ مکسوره و یاء تحتانیه ساکنه و لام مکسوره بروزن کبریا - بیت المقدس بفتح میم و سکون قاف بمعنی مکان پاک از گناهان - بیت المقدس بضم میم و فتح قاف و دال مشدده بیت المقدس بضم میم و سکون قاف - شلم بشین معجمه و تشدید لام - سلم بسین مهمله و کسر لام - بود شلم لفظ عبرانی است بمعنی بابت السلام * صیهون بکسر صاد مهمله و یقال لمسجد بیت المقدس زیتون و لا یقال له الحرم هکذا فی الانس الجلیل * و درین زمان در اکثر بلاد و مقام زبان زد هر خاص و عام به قدس است از کثرت استعمال میم را یک قلم حذف کرده اند *

فصل یازدهم

در احوال عمارت بیت المقدس و طول و عرض ان *

اول ملائکه این را بنا کردند بامر الله تعالی و در حدیث شریف آمده است از ابا ذر الغفاری رضی الله عنه که پرسیدم از رسول مقبول صلی الله علیه وسلم که کدام مسجد در دنیا اولا موضوع شد فرمود رسول مقبول صلی الله علیه وسلم مسجد الحرام باز پرسیدم که بعد ازان کدام مسجد فرمود مسجد اقصی باز پرسیدم چه قدر فرق زمانه درمیان هردو مسجد است - فرمود چهل سال هر جائیکه وقت نماز یابی ادا کن که بزرگی دار انست * و از علماء قدیم بعضی بانی

مسجد اقصی حضرت آدم علیه السلام را و بعضی سام بن نوح علیه السلام
را و بعضی یعقوب بن اسحاق علیهما السلام را و بعد این همه حضرت داؤد
و سلیمان علیهما السلام را گویند - پس مطابقت درین اقوال
بدین نمط میشود که این همه بزرگوار مجدد بنای قدیم اند مرة بعد آخری
نه موسس - یعنی اولا ملائکه بنا نهادند بعد ازان بمقتضای [ع]

* هرکه آمد عمارتی نو ساخت *

این بزرگوار بتجدید و ترمیمش پرداختند - وحضرت داؤد وسلیمان علیهما
السلام آنرا محل عالیشان و دار السلطنت ساخت * در روایت
بنای سام ابن نوح علیه السلام قوتی خاص دارد که او قبض کرده بود
مدینة المقدس را و ملک آنجا بود و عمارت بیت المقدس در عهد
سلاطین ماسبق یعنی بخت نصر و کورس ملک فارس و ططوس
و غیره گاهی آباد و گاهی خراب شده - بعضی از ایشان بعمارتش پرداختند
و بعضی در خرابیش انداختند * در روایت آمده از کعب رضی الله
عنه که بنا کرد سلیمان علیه السلام بیت المقدس را بر بنیاد قدیم -
چنانکه بنیاد کرد ابراهیم علیه السلام کعبه را بر بنیاد قدیم *

طول و عرض مسجد اقصی مندرجه کتاب انس الجلیل

طول از سور قبلی قریب محراب داؤد علیه السلام تا صدر
رواق شمالی قریب باب اسباط [٦٦٠] ششصد و شصت
درعه بدراع العمل - عرض از سور شرقی تا صدر رواق غربی
[٤٠٦] چهار صد و شش درعه مندرجه - لوح سنگی بر بالای

نردبان، متصل باب الاظم - لیکن باعث امتداد زمان ممسوح -
طول [۷۵۴] ہفت صد و پنجاه و چهار درعه - عرض [۴۵۵]
چهار صد و پنجاه و پنج درعه - پیمایشی راقم الحروف ابو البرکات بمشی
الاقدام طولا جنوبا و شمالا سوای سائبان ششصد و ہفت قدم
عرض شرقا و غربا چهار صد و چهل قدم *

نام ابواب مسجد اقصی

باب الاسباط - باب الحطه - باب الشرف وهو باب الاتم - باب الغوانمه -
باب الشیخ البصري - باب المطهره - باب القطانین - باب السلام - باب السلسله -
باب المغاربه - باب الحدید *

اولا وقت بنای مسجد نه دروازه بود اکنون باب السلام و باب
المطهره زاید کرده اند * الغرض وسعت مسجد اقصی چیزی
زاید از دو چند حرم مکه معظمه تصور باید کرد اجنه مسجد را مانند
امکنهٔ قلعه در ته زمین ساخته اند و سطح مسجد را با ارض بلد
مساوی داشته اند - قبله در بیت المقدس جانب جنوب
است چون جهت قبله روند و از نردبان فرود آیند شوکت عمارت
سابقه دریابند - و همین است درجه تحتانی یعنی بنای سلیمانی و
اکنون این درجه غیر آباد و افتاده و جا بجا شکسته و ریخته از صوم
و صلوة محض معطل و باعث تیرگی متقفل - مزوران کلید
دروازه بیارند و زیر آن تبرکا و تیمنا بتکلف در بعض محل داخل
شوند و در بعض محراب تحتانی که نورانی است چند رکعت

نوافل بخوانند و بس - و همین درجه تحتانی است که آنرا اقصاء قدیم گویند - اقصاء جدید مراد از درجهٔ فوقانی است که بعد بعثت نبي كريم صلى الله عليه و سلم از دست این اُمت مرحومه یکی بعد دیگری صرف بجانب قبله یعنی جنوب بر همان آساس و بنیان افزوده شد - تا در جهت جنوب مسجد دو منزله گردید اکنون صلواة جمعه در همین درجهٔ فوقانی و صلواة پنجگانه در قبة الصخره و حوالی آن خوانند * و منبر و محراب کبیر در درجه فوقانی است عوام در عرف درجه فوقانی را مسجد اقصی اطلاق کنند و حالانکه اقصی تمام مسجد است درجهٔ فوقانی باشد یا تحتانی صحن باشد یا سایبان صخره باشد یا بیرون - و بدین سبب صاحب الانس الجليل مينكارد و فى حقيقة الحال ان الاقصى هو اسم لجميع المسجد مما دار عليه السور و ذكر قياسه طولا و عرضا * وجه غير آبادی درجهٔ تحتانی بجز ضعف دین و عجز مسلمین چه توان گفت - اهل اسلام درین بلد اقل القبایل نصاری و یهود در هر گذرگاه و سبیل - جز صد و پنجاه سپاهان ترک از عسکر سلطانی دیگر کسی از اهل بلد در اوقات خمسه نه آید - پس ازین قدر درین مسجد چه می کشاید * مسموع شد که بعضی اعزهٔ اینجا بزمان جناب سلطان عبد المجید خان علیه الرحمة درین خصوص عرضداشت کردند و تا استنبول رفتند - حکم شد که بعد تمام حرم مدينة طيبه فكر كرده خواهد شد باتفاق

وقت اتمام حرم مدینۀ طیبه و اجل سلطان علیه الرحمة برابر افتاد -
افسوس که حیات سلطان علیه الرحمة وفا نکرد ورنه
درین خصوص همتی عالی میداشت که صدها ابنیهٔ متبرکه را
در ملک عرب عمارت نو ساخت * سلطان عبد العزیز خان دام
ملکه که از بدو جلوس در انتظام سلطنت مصروف اند
دیده باید که تاکی توجه خاص صرف این مقام می فرمایند *

فصل دوازدهم

در حقیقت صخرهٔ شریف معروف به تخت رب العالمین و
فضایل آن با حادیث و غیره *

صخرهٔ شریف سنگی است نهایت کلان نه در زمین و نه
آسمان معلق درمیان هردو مکان - در وسط مسجد اقصی
باکمال تمکین و شان - فضایان آن بیرون از حد بیان - روایت
است از ابن عباس رضي الله عنه قال صخرة بیت المقدس من صخور
الجنة صخرهٔ بیت المقدس از صخور جنت است * روایت
است از کعب رضي الله عنه ان الکعبة بازاء البیت الذي تحجه
الملئکة او وقعت منه احجار وقعت علی احجار البیت - و ان الجنة في
السماء الرابعة بمیزان بیت المقدس لو وقع منها حجر وقع علی الصخرة -
ولذلك سمیت دار سلم ودعیت الجنة دار السلام کعبه محاذی بیت
المعمور است که آن را حج می کنند ملائکه - اگر بیفتد از بیت المعمور

ستونها بر سد بر سنگهای کعبه - و جنت بر آسمان چهارم بمقابلهٔ بیت المقدس است اگر بیفتد شجری از جنت بر سد بر صخره و ۲ بدین سبب صخره را دار علم گویند و جنت را دار السلام * روایت است از وهب رضي الله عنه قال يقول الله لصخرة بيت المقدس فيك جنتي و ناري و فيك اجري و عقابي ثم طوبي لمن زارك خطاب کرده حق تعالی بطرف صخرهٔ بیت المقدس که در تست جنت و دوزخ من و در تست اجر من و عقاب من پس بهتری است برای آنکه ترا زیارت کند * روایت است از ابي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلي الله عليه و سلم الانهار كلها و السحاب و الرياح من تحت صخرة بيت المقدس جمله انهار و ابر و هوا از زیر صخرهٔ بیت المقدس است * روایت است از نوفل قال الصخرة يخرج من تحتها اربعة انهار من الجنة سيحان و جيحان و الفرات و النيل از زیر صخره چهار نهر جاری اند از انهار جنت سیحان ۱ و جیحان ۲ و فرات ۳ و نیل * روایت است از کعب رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم - يقول الله لصخرة بيت المقدس انت عرشي الادنى و من تحتك بسط الارض و فوقك رفعت السماء و تحتك جعلت كل ماء عذب يطلع علي روس الجبل از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که حق تعالی خطاب می فرماید بسوی صخرهٔ بیت المقدس که تو عرش زیرین من استی و از زیر تو گستردم زمین را و از فوق تو بلند کردم آسمان را و زیر تو نهادم جمله آب شیرین که بر جبال و کوه جاری است - از ینجا است که در عرف صخره را تخت رب العالمین

گویند * روایت است از ابي ادریس رضي الله عنه قال یحول الله صخرة بیت المقدس مرجانة بیضاء کعرض السماء والارض ثم یضع علیها عرشه و یضع میزانه و یقضي بین عباده و یسیرون منها الی الجنة و النار خواهد گردانید حق تعالی صخرهٔ بیت المقدس را مرجان سفید برابر عرض آسمان و زمین پس خواهد نهاد بران عرش خود را و خواهد نهاد میزان را و عدالت خواهد کرد درمیان بندگان خود - و از همانجا راه جنت و دوزخ خواهند گرفت واز اینجا ثابت است قیام قیامت * دریں مقام روایت است از کعب رضي الله عنه - احب الشام الی الله بیت المقدس واحب بیت المقدس الی الله الصخرة و الطور حق تعالی را محبوب تر در ملک شام بیت المقدس است و محبوب تر درمیان بیت المقدس حق تعالی را صخره و طور است * بدانکه در عهد اکثر انبیاء پیشین علیهم السلام قبلهٔ نماز بطرف صخرهٔ بیت المقدس بود و همین طرف نماز میخواندند چنانچه سرور کائنات صلی الله علیه وسلم نیز تا شانزده ماه همین طرف نماز ادا فرمود و تمنا میداشت و بار بار بسوی آسمان می نگریست که حکم تحویل قبله بجانب کعبه نافذ شود - حق تعالی آرزوی محبوب خود برآورد و در عین نماز این آیة نازل فرمود فول وجهك شطر المسجد الحرام - از انروز قبله بطرف بیت الله گردید * روایت کرد ابو المعالی از ابن شهاب الزهري رضي الله عنه لم یبعث الله منذ اهبط آدم الی الدنیا نبیا الا جعل قبلته صخرة بیت المقدس ولقد صلی الیها نبینا محمد صلی الله علیه وسلم ستة عشر شهرا نه براانگیخت حق تعالی از ابتدای

بهبوط آدم علیه السلام بطرف دنیا کرام نبی را گر گردا ید قبلهٔ او صخرهٔ
بیت المقدس را و هر اینه نماز گزارد بطرف آن سید الانبیاء
ما صلی الله علیه وسلم تا شانزده ماه * بدانکه صخره در وسط مسجد اقصی
بمشابه ایست که کعبه در صحن مسجد الحرام داقع و از بالای صحن
مسجد ارتفاع پنجاه و یکدرع دارد و آن صحن از صحن زیرین هفت گز
بلند است پس ارتفاع صخره از صحن زیرین پنجاه و هشت
درع گردید و دایرهٔ صخره از باطن دو صد و بست و چهار درعه و از
خارج دوصد و چهار درعه هست * صاحب انس الجلیل ذکرکرده است
از ابوبکر ابن عربی قدس سره که او داخل شده بود تحت الصخره در
زمانیکه هیچ اتصال نمی داشت از زمین - و نقل کرده است ازو که
روزی زنی حامله داخل شد زیر صخره هرگاه در وسط آن رسید و
سنگی کلان معلق دید چندان خوف برو طاری شد که ساقط شد
حمل وی - پس ازان روز گرد صخره دیوار مستدیر بنا کردند و
مخفی نمودند آن امر را از چشم مردم * راقم الحروف عرض میدارد
که اگر بغور لحاظ کنند آن امر هنوز مخفی نیست و معلق بودن صخره
شریف بادنی تامل ظاهر - چرا که دیوار خفیف و صغیر که از اندرون
گرد صخره است چگونه این بار گران را خواهد برداشت دیوار پرده
و حجابی است در نظر سهل بینان فالصخرة معلقة لا یمسکها الا الذي
یمسك السماء ان یقع علی الارض * مخفی مباد که زایران زیر صخرهٔ شریف
میروند و انجا بفراغت تمام استاده نماز می کنند و بدعا و استغفار می پردازند

چنانچه تفصیل مقامات متبرکهٔ زیر صخره نیز همراه دیگر مقامات داخل مسجد اقصی در فصل چهار دهم خواهد آمد *

فصل سیزدهم

در بناء قبه بر صخرهٔ شریف و بناء مسجد فوقانی*

هرگاه حاضر شد عبد الملك بن مروان در بیت المقدس قصد بناء در جهٔ ثانی بجانب قبله و بناء قبه بر صخرهٔ شریف نمود و مکاتیب استشاره در جمیع بلاد و امصار فرستاد چون همه ها پسند کردند حکم فرمود تا خراج هفت سالهٔ مصر جمع آوردند - و مامور گردانید برای اهتمام آن ابو مقدام رجا بن حیواة بن جرول را که از اعلام علما و جلسا عمر بن عبد العزیز رضي الله عنه بود - و برای تائید آن برگماشت یزید بن سلام مولای خود را ایشان جمیع اموال را در بناء قبه و مسجد فوقانی صرف کردند و حبه ازان بکار خویش نیاوردند * و مسجد فوقانی بجانب قبله از دیوار یکه قریب مهد عیسی علیه السلام است تا جامع المغاربه که اکنون جامع المالکي گویند تیار کردند - و قبه صخرهٔ شریف با کمال زیب و زینت آراستند پس رجا و یزید بعد بناء قبه و مسجد واپس کردند نزد عبد الملك بن مروان یک لکهه دینار که باقی مانده بود از خرج عبد الملك آن را در انعام بآنها بخشید ایشان راضی نشدند و عرض داشتند که صرف این بقیه هم در امر خیر بهتر است - بالآخر حسب اجازت عبد الملك در همان قبه و مسجد صرف کردند و مطلا و مذهب

نمودند و بسیار تکلفات دران افزودند * غرض این عمارت قبة الصخره و مسجد فوقانی برهمان بناء سلیمانی اولا از دست عبد الملك در سال ۷۳ هفتاد و سه هجری طی یافت - صاحب انس الجلیل تعداد اسطوانات وغیره نسبت تمامی مسجد حسب تفصیل ذیل مینگارد *

عمود رخام ششصد — سلاسل وقنادیل [۴۱۵] چهار صد و پانزده — در خاص مسجد [۲۳۰] دو صد و سی - در قبة الصخرة [۱۸۵] یک صد و هشتاد و پنج - قنادیل [۵۰۰] پنجهزار بسرج کله فی لیلة الجمعه و لیلة نصف رجب و شعبان و رمضان و لیلتی العیدین * قباب سواي قبة الصخره [۱۵] پانزده * خدام مسجد [۳۰۰] سه صد نفر این همه اهتمام قنادیل وغیره در همان زمانه بود که صاحب انس الجلیل ذکر کرده و بکتاب خود نوشته *

تعداد اسطوانات مسجد فوقانی بناء عبد الملک از رخام ملون [۳۳] سی و سه ستون - از احجار غالیة الثمن دوازده ستون قریب باب شرقی محازی محراب زکریا علیه السلام سبزه ستون طول مسجد درجهٔ فوقانی سوای جوف محراب ورواق [۱۰۰] یک صد درعه - و عرض هفتاد و هفت درعه - و محراب کبیر که در صدر این مسجد قریب منبر واقع است همانجا بزمان سابق حضرت داؤد علیه السلام نماز می خواند * و چون فتح کرد بیت المقدس را سیدنا عمر خطاب رضی الله عنه پس بروز فتح اتباعا لسیدنا داؤد علیه السلام در همان مقام نماز خواند . ازان روز بمحراب عمر مشهور شد -

ورنه در اصل آن مقام سیدنا داؤد علیه السلام است - درین محل و نیز در محراب داؤد علیه السلام که زیر صخره است [سورهٔ ص خواندن ثواب و اجر عظیم دارد که دران سوره ذکر اوست علیه السلام - و این سنت عمر خطاب رضی الله عنه است * و اندرون این مسجد بجانب شرق مجمعی و مجلسی است نامش جامع عمر بسبب آنکه ساخت آنرا عمر خطاب رضي الله عنه بزمان فتح بیت المقدس بعده مسجد فوقانی بران بنا کردند * و هرگاه قبه بر صخره بنا کردند در حوالی قبه صحن مسجد را مرتفع کردند - طول آن دو صد و سی و پنج درعه و عرض یک صد و سی و نه درعه * و بعد عبد الملک ملک صلاح الدین و قلاوون وغیره در تجدید و ترمیم قبه وغیره پرداخت چنانچه از کتابهٔ مرقومهٔ ذیل ظاهر فقط

کتابه محراب مسجد فوقانی

بسم الله الرحمن الرحیم امر بتجدید هذه المحراب المقدس و هذا المسجد الاقصي الذی هو علی التقوی موسس عبد الله و ولیه یوسف ابن ایوب ابو المظفر الملك الناصر صلاح الدنیا و الدین عند ما فتحه الله علی یدیه فی شهور سنه ۵۸۳ ثلاث و ثمانین و خمسمایة و هو یسال الله ان [عبارت ما بعد خوانده نمی شود]

کتابه در گنبذ مسجد فوقانی

بسم الله الرحمن الرحیم جدد هذه القبة المبارکة فی ایام مولینا السلطان الملك الناصر العالم العادل المجاهد المرابط المثاغر المؤید المنصور قاهر الخوارج والمتمرد

معي العدل في العالمين سلطان الاسلام محمد بن سلطان الشهيد الملك المنصور قلاوُن الصالحي تغمده الله برحمته في شهور سنة ثمان وعشرين و سبع ماية *

کتابه در گنبذ صخره مقدسه

بسم الله الرحمن الرحيم امر بتجديد تذهيب هذه القبة الشريفة الملك الناصر ناصر الدين والدنيا يوسف بن ايوب سلطان الاسلام محمد ابن السلطان الشهيد الملك المنصور قلاوُن تغمده الله برحمته و ذلك في شهور سنه سبع ماية و ثمانية وعشرين *

از معمولات است که بتاریخ نهم ذی الحجه که روز حج و وقوف عرفاتست صخره شریف را میروبند وآن خاک را تبرک می کنند - شکر خدا که عاجز را نیز قدری خاک روبیده آن روز از مزدور بدست آمد * بدانکه برای دخول و خروج زیر صخره بابی ساخته اند پس هرگاه زیر صخره روند یا در مسجد داخل شوند مستحب است که این دعاء سلیمان علیه السلام بخوانند اللهم بنورک اهتديت و بفضلك استغنيت و بنعمتك اصبحت وامسيت ذنوبي بين يديك استغفرك واتوب اليك يا حنان يا منان *

فصل چهاردهم

در تفصیل مقامات متبرکه داخل مسجد اقصی و صخره شریف مع وجه تسمیه هریکی بقدر دریافت راقم الحروف *

باب الحطه بابی است از ابواب مسجد اقصی در آیة شریفه

و اذ قلنا ادخلو هذه القرية مراد از قریه بیت المقدس است *
و ادخلوا الباب سجدا مراد همین باب بیت المقدس است *
و قولوا حطة نغفر لکم خطایاکم مراد از ان بقول لا اله الا الله
است چرا که کلمه توحید حط ذنوب میکند - حیف که بنی اسرائیلیان
بجا آوردی حکم حق تعالی نکردند و داخل درین باب نشدند
ورنه خطایای ایشان معاف می شد - مفصلا در تفاسیر موجود *
هرکه دو رکعت نماز در باب حطه بخواند و استغفار کند و توبه
از گناهان نماید حاصل کند ثواب بعدد آنقدر قوم بنی اسرائیلیان
که آنها را حکم شده بود ادخلوا الباب سجدا *

قبة سیدنا سلیمان علیه السلام چون سلیمان علیه السلام از بناء
مسجد فراغت فرموده قربان نمود درین محل و شعلهٔ نار از
آسمان آمد و قربان را ربود - و همین بود دلیل قبولیت عمل در
عهد انبیاء پیشین علیهم السلام *

قبة الارواح گویند که اجتماع ارواح طیبه درین محل می شود و نیز
در بیر الارواح زیر صخره *

قبة الخضر این مقام خضر علیه السلام است بعضی شنیده
اند آواز نماز و دعاء خضر علیه السلام درین محل - و از تقریر صاحب
انس الجلیل مستفاد است که مقام خضر قبهٔ بلخ بلخ است که
ذکرش می آید *

قبهٔ بلخ بلخ چون بخت نصر بر بیت المقدس تسلط آورد از بنی ...

صخره را یک جانب پاره کرد و بپای تخت خود برد سه روز نگذشته بود که آن پاره بر هوا باز آمد و درین محل نزول فرمود - مردمان فرحان و شادان شدند و بر زبان آوردند که بخ بخ و این کلمهٔ تهنیت و سرور است در زبان عرب *

قبة المعراج مشهور است که دعا در اینجا مستجاب است - باید که درین مقام در نماز و دعا و استغفار جهد بلیغ بکار برد - این قبهٔ موجودهٔ حال را ابو عمر عثمان بن علي بن عبد الله زنجيلي متولي بيت المقدس مجدد کرد در سنه [۵۹۷] پانصد و نود و هفت هجریه *

قبة النبي صلی الله علیه و سلم روایت است از کعب رضی الله عنه که سرور کائنات صلي الله عليه وسلم در شب معراج چون به بیت المقدس رسید براق را در موقفیکه موقف انبیاء پیشین علیهم السلام بود مربوط ساخت - و داخل شد از باب الانبیاء و جبرئیل علیه السلام پیش می رفت تا انکه قریب صخره رسید پس آذان داد جبرئیل علیه السلام فرود آمدند ملائکه از آسمان و برانگیخت حق تعالی از قدرت کامله خویش جماعه انبیاء پیشین را و صف نماز آراسته شد و تکبیر گفت جبرئیل علیه السلام و امامت فرمود سید العرب والعجم نبی الحرمین امام القبلتين ابو القاسم سيدنا محمد رسول الله صلي الله عليه وسلم پس نماز خواند با صفوف ملائکه و مرسلین - پس دا ایشته شد برای

حضرت صلی الله علیه وسلم نردبانی نقرئی و ازان نردبان عروج فرمود سید الکونین صلی الله علیه وسلم و سیدنا جبرئیل علیه السلام بسوی آسمان * باید دانست که آن همین مقام است که به قبة النبي صلی الله علیه وسلم نامزد است - و این مقام در سرعت اجابت دعا در هر حاجت دینی باشد یا دنیاوی مشهور است * زایران را درین مقام مزید جهد در نماز و استغفار و دعا هر قدر ممکن باشد باید کرد - غالبا باعث قرب و اتصال این مقام قبهٔ مذکورهٔ بالا را قبة المعراج گفته باشند ورنه محل صلوة و معراج همین قبة النبي صلي الله علیه وسلم است - و بهتر است که در قبة المعراج و قبة النبي صلي الله علیه وسلم این دعا بخوانند اللهم اقسم لنا من خشیتك ما تحول به بيننا و بين معاصيك و من طاعتك ما تبلغنا به جنتك و من اليقين ما تهون به علينا مصائب الدنيا و الاخرة اللهم متعنا بابصارنا و قوتنا ما احييتنا وجعله الوارث منا و اجعل ثارنا على من ظلمنا و انصرنا على من عادانا * ولا تجعل مصيبتنا في الدنيا ولا تجعل الدنيا اكبر همنا ولا مبلغ علمنا و لا تسلط علينا بذنوبنا من لا يرحمنا *

قبة السلسلة این بود محکمه سیدنا داؤد علیه السلام و درین محل زنجیری بود از نور معلق از آسمان تا زمین وقت انفصال خصومات بنی اسرائیل که مرتکب شرو شهادت زور و غیره بودند حضرت داؤد علیه السلام حکم میفرمود که این زنجیر را از دست بگیرند - کسیکه

بود دعوی خود صادق می بود فورا میگرفت و کاذب را دست بان
نمیرسید زنجیر خود بخود مرتفع میشد * اتفاقا کسی صد دینار
پیش مردی یهودی امانت نهاد بعد چند روز مالک چون دینار
طلب کرد یهودی ادای آن بیان کرد آخر معامله نزد داؤد علیه السلام
رفت - غرض بعد التی و اللتیا چون نوبت بسلسله رسید
یهودی دینار را در عصای مجوف مخفی داشته عصا بدست مالک
دینار داد و قریب سلسله رفت وحلف کرد که مال بمالک آن
رسانیده ام این بگفت و سلسله را بدست گرفت و پیش مالک
دینار آمد و عصاء خود باز ستاد وبدینحیله مال غیر غصب کرد بعد
ازان مالک دینار پیش سلسله آمد وحلف کرد مال خود نیافته ام
و سلسله را بگرفت - چون کاذب هم سلسله را بحیله گرفت
ازان روز باعث خبث و فتنهٔ مردمان زنجیر مرتفع شد * ولله در الشاعر *

مضی الوحی ومات العلا * * وارتفع الجود مع السلسلا

و در شب معراج سرور کائنات صلی الله علیه وسلم حوران جنت در
همین قبة السلسله مجتمع بودند * جامع المالکی این را جامع المغاربه
نیز گویند سابقا امام مذهب مالکی در بنجا نماز میخواند بعده مغاربه
درین جا جمع می شدند * قبور اولاد سیدنا هارون علیه السلام گویند که
این دو برادر بودند دخدمت تسریج مسجد اقصی میداشتند و
چشمهٔ پراز روغن و نوری از آسمان بوقت معین نازل میشد
آنها ازان زینت و ازان نور قنادیل مسجد می افروختند - روزی

هردو برادر غایب بودند و آن نور بوقت معین رسید و ایشانرا
نذر و صعود کرد برآسمان پس ازان آمد در مسجد برادر اکبر
فرمود که امروز توقف در تسریج گردید خوف میکنم از عتاب
باری بالاخر ازین نار دنیا قندیلها افروختند بعد ساعتی نار آسمانی
برق وار باکمال هیبت و جلالت آمد و اینها را بسوخت بعد وقوع
این واقع نبی آن زمان بحضرت حق تعالی عرض کرد یارب
احرقت ولدي هارون و قد علمت مكانهما پس وحی آمد هكذا
افعل باوليائي اذا عصوني فكيف باعدائي * ای یاران هوشمند
بیدار باشید و مغرور نشوید این درگاه نکته نواز است نکته
گیرهم هست غرض همانجا آن بزرگواران مدفون شدند و باداش
تقصیر ساعتی در دنیا یافتند و در خلد برین شتافتند *

واضح باد که تسریج بیت المقدس طاعتی عظیم است
و اکنون معمول است که زایران شمع و زینت بقدر استطاعت
نذر مسجد میکنند و برین روایتی است از ام المومنین سیدتنا
ميمونه رضي الله عنها قالت قلت يارسول الله افتنافي بيت المقدس قال ايتوه
فصلوا فيه قالت كيف والروم اذ ذاك فيه قال فان لم تستطيعو بعثوا
بزيت يسرج فى قناديله * ميمونه رضي الله عنها ميفرمايند که
پرسیدم از رسول الله صلي الله عليه و سلم که ارشاد فرمایند
ما را از فضیلت بیت المقدس - فرمود بیایند در بیت المقدس
و نماز خوانید آنجا عرض کرد چگونه یارسول الله که درانجا رومیان مانع

اند * فرمود اگر امکان نباشد پس بفرستید چیزی روغن تا افروخته شود در قنادیل بیت المقدس * عمود الخلیل چه عجب که باعث تشریف داشتن آنمقام بکدام وقت منسوب بحضرت ابراهیم علیه السلام گردید * عمود النبی صلی الله علیه وسلم وجهی معلوم نشد بین العمودین دو ستون ملصق است و فرجه در میان آن قلیلان - زایران چون میروند ازان فرجه تیمنا و تبرکا برمی آیند وجهش معلوم نشد - گویند که ولد الحرام ازان فرجه نتواند برامد والله اعلم بالصواب * اثر قدم عیسی علیه السلام اندر محراب است - و از معجزات انحضرت باب الجنه * قبة الصخره چهار باب است باب الشامی وهو باب الجنه * باب الشرقی * باب الغربی * باب القبلی * روایت است از ابراهیم ابن مهران که نخیله زنی بود که صخرهٔ بیت المقدس رانمی گذاشت دایما ملازم صخره بود روزی مردی از باب الشامی در گذاشت که براو اثار سفر هویدا بود - نخیله معلوم کرد که خضر علیه السلام است وآن نماز خواند دو رکعت یا چهار رکعت- نخیله دست در دامنش زد و گفت اینجا چه کردی ذکیستی ما را خبر ده فرمود که من مردی ام یمنی ارادهٔ بیت المقدس کردم و پیش وهب ابن منبه رضی الله عنه رفتم او ما را فرمود که چون در بیت المقدس پیش صخره روی داخل شوی از باب شامی - پس چند قدم جانب قبله نهه تا بطرف یمین و یسار تو اسطوانات پیش

آید - نظر کن در میان دو ستون که انجا سنگی است سیاه آن سنگ بر دروازه ایست از ابواب جنت - نماز بخوان بران سنگ دعا خواه دران محال که مستجاب است * واضح باد که همین سنگ را بلاطة الجنة مذکور شد حقیقت او در حال باب الشامی اثر قدم سیدنا ادریس علیه السلام از معجزات ان حضرت است بر بالای صخره * و سوای آن اثار قدم ده انبیا بر بالای صخره در یک مقام موجود است * قبة الانبیا اکثر انبیاء علیهم السلام درین محال نماز خوانده اند * اثراصابع ملایکة بر بالای صخره است - گویند که در شب معراج چون سرور عالم صلي الله علیه وسلم از صخره عروج بطرف آسمان فرمود صخره خواست که در رکاب سعادت ماب سید الانبیا صلي الله علیه وسلم بالا رود ملایکه چنگال در صخره زدند * اثرقدم النبی صلي الله علیه وسلم از معجزات است بر بالای صخره - و اگرچه این معجزه در دیگر بلاد و امصار هم مسموع شده و اکثری نقال میکنند - و در بلاد سیدنا ابراهیم علیه السلام نیز از نظر عاجز گذشت که ذکرش متعاقب خواهد آمد - لیکن بر صخره اصح و اسند است * لسان الصخرة در شب معراج صخره ازین محال نطق آمد و صلوة و سلام فرستاد بر سید الکونین صلي الله علیه وسلم و همین جا است دروزاه که دران تحت صخره داخل میشوند * محراب داؤد علیه السلام محال صلواة آن حضرت زیر صخره محراب سلیمان

علیه السلام زیر صخره است ان حضرت اینجا نماز میخواند و عبادت میفرمود * اثر عمامه شفیع المذنبین صلی الله علیه و سلم در شب معراج حضرت صلی الله علیه و سلم زیر صخره رفت و برای نماز قایم شد عمامه مقدس با صخره مس شد پس چون موم بگداخت *

محراب الخضر علیه السلام محل عبادت حضرت زیر صخره * مسند جبرئیل علیه السلام تحت الصخره به نشست جبرئیل علیه السلام و انجا نشان شد * محل الخلیل علیه السلام مکان جلوس انحضرت است تحت الصخره * محراب داؤد علیه السلام محل عبادت آن حضرت تحت الصخره * محل معراج النبی صلی الله علیه و سلم علی اختلاف الروایت من تحت الصخره و بروایت قوی من قبة النبی صلی الله علیه و سلم که ذکرش بالا رفت * بیر الارواح تحت الصخره محل اجتماع ارواح طیبه بروایت قوی - و بروایت ضعیف در قبة الارواح که ذکرش بالا گذشت * محراب سیدنا علی مرتضی کرم الله وجهه محل عبادت آن حضرت است * محل براق یعنی جائیکه در شب معراج حضرت صلی الله علیه و سلم براق را مربوط فرمود و خود بنفس نفیس با حضرت جبرئیل علیه السلام داخل مسجد گردید - ذکرش در احوال قبة النبی صلی الله علیه و سلم درگذشت - آن محل خارج مسجد است و راه آن از راه مسجد - صاحب مفتاح انجا شخصی است غیر از مزور * محراب معاویه رضی الله عنه محل نماز اوست * محراب الشافعی علیه الرحمة یعنی محل جماعت

شوائع بود زمان سابق * محراب الاربعين جهل کسان از بزرگان سابق درین محل نماز خوانده اند * منبر سیدنا عمر خطاب رضي الله عنه منبر بزمان فتح بیت المقدس ساخت * مسجد سیدنا عمر خطاب رضي الله عنه مجلسی و مجمعی بود ساخت آنرا عمر خطاب رضي الله عنه بزمان فتح خود - ذکرش بیشتر نیز دیگرشت * قبهٔ داؤد علیه السلام درحقیقت این قبه قریب مهد عیسی علیه السلام منهدم است خار وخس درانجا بسیار و فضیلت آن بیشمار - غرض بتکلف انجا نماز خواندم * محراب یحیی و زکریا علیهما السلام مذکور است این محراب در آیهٔ کریمه فنادته الملائکة وهو قایم یصلی فی المحراب ان الله یبشرک بیحیی الخ مفصلا در تفاسیر مطالع باد - غرض محل استجابت دعاست * باب الخضر علیه السلام محل دخول اوست * مهد عیسی علیه السلام انست * محراب مریم علیها السلام و معبد او اینجا عبادت میفرمود ورزق آن از غیب میرسید چنانچه مذکور است درآیهٔ کریمه کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عند الله ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب * درین محل سورهٔ مریم خواندن و دعا خواستن وتوبه و استغفار کردن و جهد بلیغ در طاعت بردن اثری تمام دارد * محل الصراط خارج از مسجد میدانی است وسیع یعنی مابین مسجد و طور زیتا * روایت است ازاباذر الغفاري رضی الله عنه - قال قلت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم اخبرنا عن بیت المقدس قال ارض المحشر

والمبشر رایتوه فصلوا فیه گفت که پرسیدم یا رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد فرما مارا از حال بیت المقدس فرمود که او هست زمین قیامت چون بیائی انجا پس نماز بخوان - غرض قیام قیامت درین محل شود پلصراط درین مقام قایم گردد ووادی جهنم در همان میدان باشد * روایت است از عبد الله ابن عمر رضي الله عنهما - قال ان السوار الذي ذکره الله تعالى في القران فضرب بينهم بسور له باب باطنه فيه الرحمة هو المسجد وظاهره من قبله العذاب هو وادي جهنم دیوار یکه ذکر فرموده است حق تعالی در قرآن شریف فضرب بينهم بسور له باب باطنه فيه الرحمة مراد ازان مسجد است یعنی اندرون رحمت است وظاهره من قبله العذاب مراد ازان وادی جهنم است که بیرون مسجد است - کفار و منافقین طاقت گذر بر پلصراط نخواهند داشت همانجا در وادی جهنم خواهند افتاد و مومنین و صلحا از صراط گذر کرده در باطن که مقام رحمت است خواهند رسید * باب التوبه قریب محراب مریم علیها السلام است از بانی اسرائیان چون کسی معصیتی میکرد یک نشان بر پیشانی او فورا پیدا میشود و نیز بر مکان و دروازه او مرقوم می شود که فلان کس فلان گناه در فلان وقت کرد مردمان ازو کناره میکردند و دخل نمیدادند - تا انکه بر باب توبه میرفت واستغفار والحاح در حضرت حق تعالی میکرد چون توبه او قبول میشود داغ از پیشانی او وحروف از در و دیوارش جدا میشود - الحاصل این

محل استجابت دعا است * باب الرحمة محل استجابت دعا است * کرسی سلیمان علیه السلام اینجا بود. مجمع و دیوان خاص سلیمان علیه السلام پانصد و وزرا و امرا درین محل حاضر می ماندند و این است محل وفات سلیمان علیه السلام که بعد وفات درین محل تا صد سال بر چوبی قایم ماند - قصهٔ آن مفصلا در تفسیر آیه فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته الا دابة الارض تاكل منساته ملاحظه باد اکنون قبر هم اینجا است -

و اگرچه مردمان اختلاف دارند در قبر سلیمان علیه السلام بعضی دفن آن قریب سیدنا داؤد علیه السلام و بعضی قریب صخره گفته اند لیکن روایت این محل قوت دارد * بیر الورقه اکنون اندرون اقصای جدید یعنی محل فوقانی که ذکرش بالا گذشت واقع و این چاه سیدنا سلیمان علیه السلام است صاحب انس الجلیل در احوال آن از عطیه ابن قیس رضی الله عنه چند طور روایت نقل کرده تحریر آن درین محل موجب تطویل کلام - خلاصه این قدر است که شخصی مسمی شریك ابن حباسه [۱] بزمان خلافت سیدنا عمر خطاب رضی الله عنه در بیت المقدس رفت روزی بضرورت خود آب از آن چاه میکشید رسنش منقطع شد دلو در چاه افتاد شریك برای جستن دلو در چاه داخل شد یکایك نظرش بر درختی افتاد برگی ازان درخت بر گرفت و از چاه برآمد و آن برگ از اشجار

---

[۱] در فتوح الشام ازدی صاحب این قصه را سخیمس بن حابس نمیری نوشته

دنیا نبود و بروایت دیگر اولا دران چاه یکدروازه دید و از دروازه باغی
نظر آمد پس رفت درمیان باغ و گرفت برگی از درختی و از چاه
برآمد چون شنید عمر خطاب رضي الله عنه پس فرمود که ببینید اگر
آن برگ خشک نشود تا بیشک برگ جنت است چنانچه
دیدند که هرگز خشک نمی شود - امیر المومنین رضی الله عنه
فرمود که صدق النبي صلي الله عليه وسلم من شنیده بودم ازو که شخصی
از امت ما خواهد رسید در جنت قبل موت خود شریك ابن حباسه
بیشک همان شخص است * و در روایتی مذکور است که
امیر المومنین رضی الله عنه آن برگ را ازو برگرفت - و بروایت
دیگر ورق را شریك پیش خود در اوراق مصحف نگاه میداشت و
با خود در میان کفن برد -- بروایتی مذکور است که چون شریك در
چاه رفت شخصی ظاهر شد و دستش برگرفت و تا شجر رسانید *
و در روایتی گرفتن دو برگ نوشته است و الله اعلم بالصواب
و آن برگ عریض بود مثال کف ادم علیه السلام الحمد لله که
راقم الحروف آب این چاه خوب نوشید و قدری همراه نیز آورده
است آب این چاه چون آیینهٔ دل نیک بختان از کدورت پاک
و مانند تبسم نوشین لبان شیرین و شکرناک - از اثر
برودتش خورشید خاوری لرزان و از رشک عذوبتش
نیشکر مصری گره گره پیچان *

* منور همچو چشم تیز بینان مصفا چون دل خلوت نشینان *

* رسیده عمق آن تا گاو ماهی نموده همچو عینک در میاهی *
* بی کسب لطافت آب حیوان درو گشته چو درد از ته نشذیان *

حدید داؤدي دو چهار است از آهن گویند که از همان آهن است که از معجزه حضرت داؤد علیه السلام نرم شده بود سنجق سیدنا عمر خطاب رضي الله عنه یعنی بیرون علم اوست - وانچه در قبة الصخره نقال سپر سیدنا حمزه رضي الله عنه - و سیف سیدنا علی کرم الله وجهه - وزین براق نبوی صلی الله علیه وسلم - و میزان اعمال داشته اند - و حوضی را که در صحن مابین قبة الصخره و اقصای جدید یعنی منزل فوقانی واقع است و آنرا کوثر نام نهند این همه از تقلیدات واختراعات است اصلیت آن از کتب تا اینذم معلوم عاجز نشده *

فصل پانزدهم

در بیان مقامات متبرکه بیرون مسجد اقصی و زیارت سیدنا داؤد علیه السلام وسیدنا سلیمان وسیدنا عزیر وسیدنا مریم علیهم السلام و بعضی صحابه رضوان الله علیهم - و اکثر اولیاء الله علیهم الرحمة - وسبب نرفتن بر مزار سیدنا موسی علیه السلام *

تفصیل مقامات متبرکه بیرون مسجد اقصی

جبل طور زینا فضیلتش بسیار آمده - روایت است ازکعب رضی الله عنه احب الشام الی الله بیت المقدس

واحب القدس الی الله تعالی الصخرة والطور * پسندیده تر
ملک شام حق تعالی را بیت المقدس است و پسندیده تر
در قدس صخره و طور است * واین طور زیتا است نه طور
سینا - بلکه طور سینه هنگام مراجعت از قدس قریب بحر
شور از نظر عاجز گذشته انجا قریه یست کنارهٔ دریا ظروف سنگی
اکثر انجا فروشند شخصی از همراهیان عاجز از کشتی فرود آمده
اشیائی سنگی از انجا تبرکا خرید کرد - ساهره روایت است
از سیدنا علیؑ مرتضی کرم الله وجهه وابن عباس وحذیفه رضی الله
عنهم - قال کنا جلوسا ذات یوم عند رسول الله صلی الله علیه وسلم
قال یحشر الناس الحدیث وفیه فینتهون الی ارض یقال له ساهرة
وهی ناحیة بیت المقدس تسع الناس ویحملهم باذن الله تعالی
فرمود که بودم روزی جالس بحضور رسول مقبول صلی الله علیه و
سلم فرمود که برانگیخته خواهد شد خلق تا آخر حدیث - و دران فرمود
که خواهند رسید بزمینیکه نام او ساهره است دان ناحیهٔ بیت المقدس
است و کفایت خواهد کرد برای گنجایش برداشتن مخلوقات
تمام روی زمین قال الله تعالی فاذاهم بالساهرة هل اتک حدیث
موسی * ساهره قریب است ازطور زیتا و ازینجا اثریست از
آثار ام المومنین صفیه رضی الله عنها که او تشریف آورده در بیت
المقدس و برطور زیتا رفت و تا دیر مصروف بدعا بود مصعد سیدنا
عیسی علیه السلام برطور زیتا است واکنون درانمقام گنبدی ساخته

اند از همین محال سیدنا عیسی علیه السلام بر چرخ چهارم تشریف فرماشد *
عین سلوان بفاصله یک کروه یا چیزی کم از بیت المقدس - روایت
است از حال رضی الله عنه قال زمزم و عین سلوان الذي ببیت المقدس
عین من عیون الجنة زمزم و چشمه سلوان که در بیت المقدس
است چشمه است از چشمهای جنت * بیر سیدنا ایوب
علیه السلام بالتحقیق وجه تسمیه آن معلوم نشود - هر چند رفتیم
و زیارت کردیم و آبش نوشیدم لیکن کسی از کیفیت آن
خبر نداد - این قدر یاد می آید که چیزی ذکر آن در کتاب الجلیل
است باعث عجلت ملک از ملاحظه آن معذور ماندم *
قبور بزرگان دربیت المقدس نبی الله سیدنا داود علیه السلام
اندر قلعه هر جمعه وقت صبح زیارت و اجماع ناس درانجا معمول است
نبی الله سیدنا داؤد علیه السلام عند مقام الکرسی و قیل عند الصخرة تحت
بلاطة الهر - و قیل عند سیدنا داود علیه السلام * سیدتنا مریم علیها السلام
خارج از سور القلعه و قریب بلد زیر دامن کوه - مقبره کهنه است
و کلید مقبره در دست نصاری صبح و شام دروازه بکشاید - قبر
شریف در تحت واقع است و مقام تاریک است - نصاری
اندرون مقبره چند شمعدان کلان و دیگر اسباب روشنی بطور
خود فراهم کرده اند - اهل اسلام برای زیارت میروند و این
نصاری قوم فرنگ نیست بلکه رومی * گویند نبی الله عزیز علیه
السلام بفاصله یک کروه قصبه زیستن آن حضرت بعد صد سال

در قرآن مجید موجود - عاجز چون دران محال رسید پرسید که آن مقام کجا است که ذکرش در قران مجید آمده فانظر الی طعامک و شرابک لم یتسنه وانظر الی حمارک خادمان درمقامی نشان دادند دیدم که آن غاریست نهایت تنگ و تاریک آخر چند شمع های مومی افروختیم و دران غار خزیدیم و زیارت آنمقام کردیم * سیدنا سلمان فارسی رضی الله عنه من الصحابة برجبال طور زیتا و بقولی در لد که ذکرش خواهد آمد * سیدنا ابو عبیدہ رضی الله عنه من الصحابة والعشرة المبشرة * محمد علمی رضی الله عنه گویند که حلاق رسول الله صلی الله علیه و سلم بود - وگویند که علمدار بود * شیخ عثمان علیه الرحمة من الاولیاء * رابعة العدویة علیها الرحمة غیر رابعهٔ بصری واین را هم شانی است بس عالی * رخیل بن سلیمان بن داؤد علیه السلام * ابوعبد الله القرشي علیه الرحمة * شیخ احمد دجاني * شیخ وجدو علیه الرحمة * شیخ وجدنا علیه الرحمة *

پوشیده مبادکه قبرسیدنا موسی علیه السلام از بیت المقدس هفت کروه است لیکن وقتیکه عاجز در بیت المقدس رسید راه پرخطر بود - بلکه در همان زمان دوکس را کشته بودند و اکثر امن طریق ندارد مزدور وغیره ممانعت کردند بدین سبب دران محال نرفتیم - ساکنان شهر در هر سال .. بجمعیت تمام بتقریب عرس آنحضرت میروند و چند روز درانجا اقامت می ورزند و بیچاره ساکین همیشه میروند احدی آنهارا مزاحم نیست * واضح باد که بیت المقدس را فضلی

است عظیم و مقامیست پسندیدهٔ رب کریم یک نماز را ثواب پانصد نماز و بروایتی بست هزار و بروایتی بست و پنجهزار اینجا است - و هرکه بمیرد در بیت المقدس یا اطراف آن گویا که مرد بر آسمان این رتبه مخصوص در اینجا است - این است که جمله انهار شیرین در دنیا از تحت صخره جاری - اینست که حق تعالی مبارک فرمود اطراف و اکناف را بنص قرانی - اینست که در روز قیامت مقام خود خواهد گردانید حق سبحانه تعالی - اینست که خدای برترکلام کرد اینجا با موسی علیه السلام - اینست مکان نزول فواکه گرما در سرما و سرما در گرما برای مریم بنت عمران - اینست جای عروج و نزول عیسی علیه السلام از آسمان بر زمین واز زمین بر آسمان - اینست مطرح نزول مایده بر عیسی علیه السلام ابن مریم - اینست منزلی از منازل معراج نبی صلی الله علیه و سلم - اینست محفوظ از دخل یاجوج ماجوج - این است مصئون و مامون از رفض و خروج - اینست مربط براق جنت در دنیا - اینست بشارت گاه زکریا بولادت یحیی - اینست معبد و مدفن اکثر انبیاء پیشین - اینست مخزن هزاران برکات اولین و آخرین - اینست دار الهجرت سیدنا خلیل - اینست منفخ صور اسرافیل - این است محشر و منشر عالم - اینست منظر نامهٔ اعمال بنی آدم - اینست محل میزان اعمال - اینست حضرت داؤد علیه السلام را مقام "تسخیر

طیر و جبال - اینجا است که فرمود زکریا کفالت مریم - اینجا است جمامہ زخم جگر را مرہم - اینجا است منطوق آیہ و واعدنا کم جانب الطور الایمن اینجا است. بسیاری صحابہ و اولیاء را نشیمن - اینجا است بسی مقامات متبرکہ - اینجا است روضہ از ریاض جنت * غرض اینجا است چندین زیارات و آثار - بیرون از احاطہ تحریر وحد شمار *

فصل شانزدهم

در آداب زیارت و اقامت بیت المقدس *

در قبۂ صخرہ داخل شود از باب شامی و بر بلاط سودا ایستادہ دو رکعت تحیۃ المسجد گزارد و مصروف دعاء و استغفار گردد - بعد ازان برود زیر صخرہ و در ہر ایک مقامات متبرکہ انجا دو دو رکعت نفل بخواند وجہد بلیغ در دعا و استغفار ببرد - پس رو نہد بطرف مسجد فوقانی بعد از فراغ زیارات انجا قصد منزل تحتانی سازد و در ہریک محراب انجا و محاریب مسجد فوقانی و ظاہر الجامع کہ تعداد جملہ محراب موجودہ این زمان غالبا متجاوز از پنجاہ باشد دو رکعت نماز خواند - و اگر در یکروز نتواند بچند روز تمام کند کہ ہر یک را فضیلتی است جداگانہ و مصلاء عبادتگاہ انبیا و اولیاء ہر زمان بودہ است - و الزام نماز پنجگانہ در مسجد و صوم باعتکاف کہ کم از سہ روز نباشد نماید - وچندانکہ ہمت دست دہد بمساکین و مستحقین بخشد - و تسریح

مسجد نیز از ضروریات شمارد یعنی روغن با شمع که در بازار بکثرت میسر است خرید کرده بخادم مسجد سپارد - و بتعظیم پیش آید باساکنان و خادمان بیت المقدس و باجازت مهتمم کدام روز اذان دهد در مسجد تا داخل شود در زمرهٔ موذنین بیت المقدس - و چون رخصت شود از انجا بقصد مکهٔ معظمه باید که از انجا احرام بندد یعنی از بیت المقدس زیر صخره اگر قادر باشد بر تحفظ از جنایات که احادیث در فضایل آن بیشتر بیشتر منقول شده است مزدور و خادم و مهتمم مسجد شریف شخصی اند مسمی بشیخ محمد دلف قیوم باشی حرم القدس و پسران اوشان عبد القادر و حسن و عمر و عبد الله و ولد صغیر داود است - اکنون ابادی و اهتمام مسجد صرف متعلق از ذات اینها است که جماعه پدر و پسر لیل و نهار در خدمت مسجد شریف مصروف - و شیخ موصوف مردی وجیه و نیکو کار و نیز خلیق و هوشیار *

فصل هفتدهم

در بعضی اعجوبهٔ بیت المقدس *

نقل است که سلیمان علیه السلام در زیر زمین برکهٔ ساخته بود و برروی آن فرشی مکلف گسترده و خود با نفس نفیس و اراکین سلطنت بران نشسته - کسیکه بر سر باطل می بود

بمجرد آنکه قدم نهد درآن آب غرق می نشد وانکه راه حق
می پیمود بجان بسلامت می ربود * نقلست که ضحاک بن
قیس در بیت المقدس آتشی افروخته بود کثیر الحطب
و شدید اللهب هرکه ماخوذ بعصیان و جرم می شد اورا
پیش آن آتش می بردند صادق را ضرری نمیرسید وکاذب
خود بخود در دهن آتش میپرید * نقلست تمثال سگی
از چوب تراشیده بر دروازهٔ بیت المقدس داشته بودند
اگر ساحری از پیشش میگذشت آن سگ غوغا میکرد پس
بند می شد سحر او * نقلست که دروازهٔ بود در بیت
المقدس اگر یهودئی ظالم ازان میگذشت در ضغطه می
گرفت اورا آن در و نمی گذاشت تا انکه باز آید ازکردهٔ
خویش * نقلست که عصای در محراب مسجد داشته
بودند که جز اولاد انبیا علیهم السلام اگر کسی آنرا مس
میکرد دستش میسوخت * نقلست که اولاد سلاطین
و ملوک در محراب بیت المقدس می آمدند و شب آنجا
می خفتند کسیکه سلطنت نصیب او می بود صباح دستش مطلا بروغن
می نمود * نقلست که در بیت المقدس اژدها و مار بسیار
بود چون سیدنا عمرخطاب رضی الله عنه طلسم الحیات را که
در کلیسهٔ بود بیاورد و بطور دوستون داخل مسجد فرمود
که آن هنوز دران موجود است - ازان روز ضرر مار برکسی

نمی رسد اگر کسی را میگزد دوائی او اینست که تا یکهال کامل
از زمین بیت المقدس خارج نشود اگر روزی هم ازان
نقصان کند و یک قدم از زمین بیت المقدس بیرون نهد
فورا بمیرد * وانچه مشهور است که نصاری و یهود بیرون
باد بیت المقدس کلیسهای عظیم بنا کرده تصاویر و عجائبات
دران داشته اند ما هم شنیدیم و آن اکنه را از دور به چشم
خود دیدیم لیکن الحمد لله که از سایه آن محفوظ ماندیم و با وصف
تحریص بعضی ها کنان باین بیت المقدس گرد شش نگردیدیم *

فصل هیجدهم

در زیارت بیت اللحم که مولد سیدنا عیسی علیه السلام است *

دوازده روز در بیت المقدس قیام کرده ارادهٔ زیارت
سیدنا ابراهیم علیه السلام و دیگر مقامات متبرکهٔ اثناء طریق کردیم
و از همان طرف قصد سفر مراجعت اندیشیدیم - سیرت
سفر از بیت المقدس تا مقام خلیل الرحمن که ذکرش
با تفصیل آینده می آید اگرچه نه ساعت است برالسنهٔ عوام
لیکن درحقیقت از صبح تاشام - و هر چند راه صاف است
نسبت دیگر مقام لیکن در اثناء راه زیارت بیت اللحم و
مرقد مبارک سیدنا یونس علیه السلام - پس توقف درین اکنه
لابد و ضرور و درک این سعادت هرکسی را منظور - اندرین

حال اگر در دو روز روند بهتر است - عاجز را همچنین اتفاق افتاد -
روزیکه از دمشق روانه شدیم با چند کسان احرام بالعمره تحت الصخره
بستیم و دو شغدف چوبی مشتمل برسواری دو کس و سه راس بغله
ران سواری جمله بکرایهٔ پانصد قروش مقرر کردیم بشرط انکه از
قدس تا خلیل الرحمن و ازانجا تا یافا در هشت روز بتدریج رود
و جابجا بزیارت انبیاء علیهم السلام و دیگر مقامات متبرکه ببرد -
ازینجا عاجز بمعیت مولوی حضرت شاه محمد عمر صاحب قبله
بر شغدف چوبی سوار شد و بتجربه دانست که نسبت ران سواری
درین عافیت است - وقت اول عصر نهضت کردیم و
مغرب در بیت اللحم فرود آمدیم و شب انجا گذرانیدیم * بدانکه
بیت اللحم محل ولادت سیدنا عیسی علیه السلام است
وآنرا فضایل عظیم است و مقامیست از مقامات متبرکه و مذکور
در آیهٔ کریمه فاجاءها المخاض الی جذع النخلة چون شفیع
المذنبین صلی الله علیه وسلم دران محل بشب معراج تشریف
آورد جبرئیل علیه السلام گفت که حضرت فرود آئید از سواری و نماز
نوازید اینجا چنانچه فرود آمد و نماز کرد - پس جبرئیل علیه السلام
گفت اندري این صلیت صلیت بیت لحم حیث ولد عیسی علیه السلام *
منقولست که سیدنا عبد الله ابن عمرو بن العاص رضی الله عنه را معمول
بود که روغن برای تسریج در بیت اللحم دایما میفرستاد - وجه
تسمیه جز اینقدر دیگر تسمع نرسیده که بزمان باستان بیت

المقدس دار السلطنت بود آبادیش انقدر که بیت اللحم محلهٔ ازان بود مذبح بقدر غنم و الله عالم بالصواب * اکنون قریه ایست کبیره و مجمع چند قوم نصاری که رومی و انگلیشیه وارمنی و روسی و فرانسیس و نمسا میگویانند کلیسای عظیم ساخته اند و محل ولادت سیدنا عیسی علیه السلام را در ید اختیار خود داشته اند و آن مکان را از شیشه آلات و غیره خوب آراسته اند - اصل صاحب مفتاح اگرچه نصاری رومی لیکن خدمت گذار انجا جمله قوم نصرانی - بدین جهت هریکی از طرف خود اهتمام مزید دارند و اخراجات فراوان بکار می برند - پادریان این قوم دران محل مصروف انجیل خوانی - قسیسین و رهبانین مشغول جلاجل جنبانی - بعضی بنظارهٔ تصاویر عیسوی مست - و بعضی محو آتش پرستی تابعین زردشت - بعضی ناقوس کلیسا در دست - و بعضی باشمعهای مومی آزر پرست - اهل اسلام را باوقات مخصوصه راه دهند و باعث نجاست طبعی و شیطانیت جبلی باطمینان نگذارند * دران محل عمارات عالیه و مکانات مرتفعه بنا کرده اند و از حیطان دجدار و جلباب و استار در تاریکیش انداخته - روز شب شمعهای مومی درانجانهاده و طایفهٔ نصاری از یکپا استاده - وقت زیارت چون نیک نگاه کردم در عین محل ولادت روزنی دیدم مدور بقدر چهار انگشت که حوالی آن تا یک شبر از پارهای طلا متشکل بشکل حرزی محکم و

چست و براون حرفی چند در انگریزی نوشته اند و سجده گاه خود ساخته اند - معلوم نشد که آن سوراخ از بهر چیست و علامت کیست - مهتمم و خادم همه عیسائی مشرب - بس مغایرت قوم و لسان مانع اظهار مطالب - لاجرم زیارت را غنیمت دانستیم - و محال زیارت او را سراغ نیافتیم - کسی اگر از اهل اسلام می بود بیشک درین خصوص دست و پا می زدیم و پی بتحقیق می بردیم و اگر روزن مارهم می بود در تلاش آن چون مور می خزیدیم - الغرض تمام شب در بیت اللحم ماندیم و صباح رخت سفر بستیم *

فصل نوزدهم

در زیارت سیدنا یونس علیه السلام بمقام حلحول *

از بیت اللحم که روانه شدیم وقت ظهر بروضهٔ سیدنا یونس علیه السلام رسیدیم و آن خارج قریه ایست مسمی به حلحول - روضهٔ اقدس از تکلفات ظاهری بری در و دیوارش بالکل گلی جز بعضی کاشتکاران ده آنجا نه حارسی و نه دربانی - و برخلاف دیگر مزارات آنجا نه خادمی و نه پاسبانی - همان کاشتکاران که آنرا فلاحین گویند چیزی نخدمت روضه و مسجد متعلقه آن پردازند *



فصل بستم

در زیارت سیدنا ابراهیم خلیل و سیدنا اسحاق و
سیدنا یعقوب مع ازواج مربکان و سیدنا یوسف
علیهم الصلوة و السلام - و بعضی اولیاء الله مثل
حضرت ابو بکر شبلی و غیره علیهم الرحمة *

وقت عصر به بلد سیدنا ابراهیم خلیل علیه السلام وارد شدیم
این بلد از قدیم حبرون نام دارد بفتح حای حطی و سکون بای
موحده و در عرف منسوب باسم حضرت علیه السلام کنند
و خلیل الرحمن گویند * روایت است که هرگاه سلیمان علیه السلام
از بنای بیت المقدس فراغت فرمود وحی آمد که ای ابن داود
عمارتی بنا کن بر قبر خلیان ما تا علامت باشد بعد تو - پس سلیمان
علیه السلام با قوم بنی اسرائیان از بیت المقدس بیرون آمد
و در کنعان رسید و بسی در تلاش قبر گردید چون نشان
ندید در بیت المقدس باز گشت - پس وحی آمد که ای سلیمان
حکم ما بجا نه اوردی عرض کرد که مقام قبر از نظر ما غایب است -
باز حکم شد - که برو و به بین که نوری از آسمان می آید بر زمین
انجا است قبر خلیان ما - بار دیگر سلیمان علیه السلام رفت و حکم فرمود
اجنه را تا بنا کردند عمارتی در موضعیکه نام اورا منداست قریب
قریهٔ حلحول که درانجا قبر سیدنا یونس علیه السلام است *

پس وحی آمد که این آن مکانیست که ترا گفته شده بود
نظر کن بمکانیکه آن نور متدلی است از آسمان تا زمین - باز
رفت سلیمان علیه السلام و آن نور مخصوصه را در بقعه از بقاع
حبرون یافت پس دانست که مکان مقصود اینست - چنانچه
مقبره را باکمال شان و تمکین بنا راست * فضایل خلیل الله
ابراهیم خلیل علیه السلام حاجت تحریر ندارد که آیه کریمه واتخذ
الله ابراهیم خلیلا - و دیگر بسیاری آیات قرانی موجود است *
روایت است از انس بن مالك رضي الله عنه قال قال رجل للنبی
صلی الله علیه وسلم یا خیر الناس قال ذاک ابی ابراهیم صلی
الله علیه وسلم وفی روائة مسلم یا خیر البریة قال ذاک ابی ابراهیم
علیه السلام - شخصی بحضور سرور کائنات صلی الله علیه وسلم
خطاب کرد بلفظ یا خیر الناس حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که
خیر الناس پدر ماست ابراهیم علیه السلام - و در روایت مسلم
لفظ خیر البریه است - فرمود که خیر البریه پدر ماست ابراهیم علیه السلام
روایت است از سید الکونین صلی الله علیه وسلم لما اسري
بی الی بیت المقدس مر لی جبرئیل علیه السلام الی قبر
ابراهیم علیه السلام فقال انزل فصل ههنا رکعتین فان ههنا قبر
ابیک ابراهیم علیه السلام وقتیکه در شب معراج به بیت
المقدس آمدم به برد مارا جبرئیل علیه السلام طرف قبر ابراهیم
علیه السلام و گفت که حضرت فرود آیند از سواری و نماز خوانید

اینجا دو رکعت که اینجا است قبر پدر تو ابراهیم علیه السلام * روایت است از سرور کائنات صلی الله علیه وسلم قال من لم یمکنه زیارتی فلیزر قبر ابراهیم علیه السلام فرمود که هرکرا زیارت من ممکن نباشد بگو که زیارت کند قبر ابراهیم علیه السلام را * روایت است از کعب رضي الله عنه اکثروا الزیارة الی قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم واظهروا الصلوة علیه وعلی صاحبیه ابی بکر و عمر رضوان الله علیهما قبل ان تمنعوا عن ذلک و یحال بینکم وبین ذلک بالفتن والفساد السبیل - فمن منع ذلک او حیل عنه وهی الزیارة الی قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم فلیجعل رحلته واتیانه الی قبر ابراهیم علیه السلام ولیظهر الصلواة ولیکثر الدعاء فهوعنده مستجاب ولن یتوسل به احد الی الله جل ثنائه فی شیء الا لم یبرح حتی یری الاجابة في ذلک عاجلا اواجلا اکثر کنند زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم و درود فرستند بر وی و بر هردو یاران وی ابوبکر و عمر رضی الله عنهما قبل انکه مانع پیش آید و حایل شود در میان شما و درمیان زیارت فتنه و فساد زمانه - پس کسی را که مانع پیش آید یا حایل اند در زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم پس کوچ کند و بیاید طرف قبر ابراهیم علیه السلام و درود خوانده باشد وکثرت دعا کند که دعا نزد قبر او علیه السلام مستجاب است - وکسیکه در دستیابه گرفت حضرت ابراهیم علیه السلام را بطرف حقتعالی

بکدام حاجت خود خواهد دید اجابت دعاء خود بزودی باشد با پذیری *
الحمد لله که درک سعادت کردیم و به بلد سیدنا ابراهیم علیه السلام
رسیدیم - ماکل و مشارب ضروری درین بلد مهیا انجیر و انگور
ارزان از اکثر جا عساکر سلطانی زاید از بیت المقدس متعین -
سواران ترک را زیر اشجار زیتون مخیم و مسکن - سنگ مرمر
مفروش در هر کوچه و برزن - مشکهای صغیر و کبیر را اینجا است
مخزن - اکثری برای تجارت در بلاد و امصار برند - و نیز هدیه پیش
اقران و احباب کشند - عاجز هم چون در قیمت ارزان دید - چند
عدد برای سفر مدینهٔ طیبه خرید * اکنون حقیقت روضهٔ مقدسهٔ
سیدنا ابراهیم خلیل علیه الصلوة و التسلیم بگوش دل باید شنید
که روضهٔ مبارک اندرون بلد با کمال تقدس و شان اراسته -
و با هزاران برکات ظاهری و باطنی پیراسته - مسجدی عظیم
الشان محیط ضریح اطهر - رواق و حواصل گرداگرد و قبر آن پیغمبر -
در و دیوار روضه و مسجد مطلا مذهب - آیات قرانی جابجا مکتوب
و مرتب - گنبذ گارکارش در رفعت آسمانی بر زمین - و در نزهت
گلستانی بر چرخ چارمین - قبهٔ زرنگار مرصع با حجار مختلف الالوان
چمنستانی رنگین - یا بوستانی رشک افزای خلد برین - محراب
سوسنی طوق گلوی قمری نوا زن - دیوار مرمری موجهٔ بهار نسرین و
نسترن - ستونش چون سرو از دو رنگی ازاد - پایهٔ سنگی
استاده مانند شمشاد - مناره اش مانند گل شببو لیلی و نهار

سر بلند - طاق و رواقش چون اوراق گل یکی با دیگری هم پیوند - کتابهٔ یاقوت رقمی در خط گلزار - حروفش شیوهٔ نو بهار - تحریر خطوط چون کاکل گلرخان باهم پیچان - مرکز و دایرهٔ حروفش چمن زار سنبل ضیمران - بین السطور نهر خیابان باغ رضوان - لوح مزار پشم گاوی حوران جنان - فرش قالین که مابین روضه گستردہ اند - طبقهٔ لاله زار بر طبقات زمین افزوده اند - گلهای قالین که رنگارنگ افشانده اند - بهار ستانی بی خزان کاشته اند - در روضه مانند غنچه هر شب سربسته - و سحر چون گل تازه شگفته - نقش و نگار دیوار جائی سوسنی و جائی صنوبری - سوا این عمارت سر تا پا از گل سوری - محاذی روضهٔ اقدس حجرهٔ دیگر مدفن ام الانبیا یعنی سیدتنا سارة رضی الله عنها زوجهٔ سیدنا ابراهیم خلیل علیه افضل الصلواة و در حجرات جداگانه سیدنا اسحق وزوجهٔ آن حضرت سیدتنا ربقه و همچنان سیدنا یعقوب و زوجهٔ آن حضرت سیدتنا لایقه - ونیز سیدنا یوسف علی نبینا و علیهم ابلغ التحیات * هر یکی این پیغمبران در ظل شجرهٔ عطوفت پدر و جد بزرگوار خود آرام فرما این بقعه پر نور در حقیقت گلشن انبیا است هر شاخ درین بوستان از نخل ابراهیمی سر کشیده - وهر گل درین باغ از همان گلبن نبوت رسته - اگر گل است دمیدهٔ او ست واگر شگوفه است سر بر اورده ازو چندین ازهار عز و جلال از یک شاخسار رسالت سر بر زده - و چندین اثمار

فخر و کمال از همان دوحهٔ خلت بظهور آمده - کریم ابن الکریم ابن الکریم
است - حجرهٔ بزرگان را زیب و زینتی است جداگانه - و آرایشی
و امدازی است یگانه - روضه پدر بزرگوار اگر خلد بر نیست بسر هم
فردوس - نشین جد امجد اگر در جنت الماوی جا گزینست جگربند
فرزندش نیز در ارم همقرین - یک گوشهٔ این باغ اگر
لاله زار است جانب دیگر تختهٔ گل را بهار - و اگر طرفی سمن زار
است پهلوی دیگر هزاران گل نثار - نسیم اگر از شرق این باغ
سحرخیز است شمیم جنت از غرب هم عطر بیز * الغرض این
زمین همه گانه از ابراهیم است هرچار سو جنت نعیم است *
گویند که قبور این همه بزرگان حقیقتاً در غار است و بزمان پیشین
بوقت مخصوص زائران زیر غار میرفتند یکبار کسی از امراء عرب
در وقت غیر معمول با وصف ممانعت مزورین در غار رفت دید
که ام الانبیا سیدتنا ساره رضي الله عنها در شانه کشی مصروف است
سیدنا اسحاق علیه السلام بحمایت مادر بزرگوار خود پرداخت و طمانچه
بر سراو چنان زد که هردو چشمش کور شد آن امیر چند روز درانجا
مقیم مانده بالحاح و گریه و زاری توسل بروضهٔ سیدنا ابراهیم علیه السلام
آورد و عفوی تقصیر خواست روزی درخواب بود که حضرت علیه السلام
دست شفقت بر چشمش گردانید و آن کور بینا شد از ان
روز غار را از هرجانب بند کردند و سقف نمودند و بر سقف غار
محاذی هر قبر قبری دیگر ساختند و بران حجرها و روضها ترتیب

دادند مگر یک طرف قدری دهن غار هم وا داشته اند تا زایران
اران مقام نیز زیارت کنند * معمول بعضی چنانست که
عرایض و کلمهٔ تشهد نوشته در غار اندازند مزور غار ورقی بنوبسد
و چند جا آن را مزین بمهر سیدنا ابراهیم خلیل علیه السلام کرده اند و
اسماء مبارک هر یک بزرگواران محمد و حسین نیز نویسند - و چند
سطور عبارت مشتمل بر نام و نشان زایر و حاضری آن کس
و بعضی اشعار بطور صلوات ترقیم کرده بان بانجشند - و ان
کاغذ را دستور نام نهد یعنی سند حاضری ان آستان جنت
نشان است گویند که از مخترعات مزورین است والله اعلم بالصواب *
عاجز را هم سندی عنایت کردند چه عجب که سری درین
بوده باشد * مصرع * کار پاکان را قیاس از خود بگیر *
نقل است که چندکس بزیارت سیدنا علی مرتضی کرم الله وجهه
رفته بودند ازانجمله شخصی بود که براوا نام داشت نهایت مردمسکین
وکم فراست - چون همه ها از زیارت مراجعت کردند و چند منزل بسوی
وطن بازگشتند روزی از براوا باخودها طیبت کردند وگفتند که ما هر یکی
سند حاضری از حضور سیدنا علی مرتضی کرم الله وجهه یافته یم
شما سند در دست دارید یانه آن بیچاره بر محرومی خود
ششدر و حیران شده و چارهٔ جز آن ندید که صحبت یاران بگذاشت
و تنها بر مزار اقدس بازگشت و مجاورت کرد و زار زار بگریست
و سند طلب میکرد - بعد چندی دستی از غایب ظاهر شد

و ورقی مکتوب بآب زر براوا را عنایت فرمود - و دران ورق همین قدر عبارت مرقوم بود براوا بري من النار - کتبه حیدر کرار - براوا شادان و فرحان بوطن باز آمد و یاران را خبر داد هریکی رشک بردند و حسرت خوردند *

• خاکساران جهان را بحقارت منگر تو چه دانی که درین گرد سواری باشد *

الغرض بالفعل خادم روضه ابراهیمی شیخ عمر الحموری و امام مسجد شیخ خلیل الحموري باستد مصارف مسجد و روضه از اوقاف معین - خوان کرم ابراهیمی تا اینوم بهرکو و برزن - یعنی بوقت عصر چند دیگ طعام روزانه بخشیده می شود - الحمد لله که روزی این تبرک نصیب عاجزهم شد *

واضح باد که جز زوجهٔ مطهره سرور عالم صلی الله علیه وسلم و این بزرگوار که در حبرون تشریف میدارند تخصیص و تعیین مکان نسبت قبور دیگر انبیاء علیه السلام از کتب متحقق نیست و از ینجا است که گفته اند *

• ولا یعرف قبور الانبیاء جمیعا * سوی الحبرون و ما دون الرسول *

اداب زیارت روضهٔ اقدس

مستحب است برای قاصد زیارت سیدنا ابراهیم خلیل علیه السلام که کناره کند از گناهان و توبه نماید بحضرت سبحان بس نیت زیارت کند و متوجه شود برغبت و شوق و محبت و در اثناء راه کثرت این درود نماید اللهم صل علی سیدنا محمد و علی آل سیدنا محمد کما صلیت و سلمت علی سیدنا ابراهیم و علی آل سیدنا ابراهیم انك حمید مجید *

اللهم بارک علی سیدنا محمد وعلی آل سیدنا محمد کما بارکت علی سیدنا ابراهیم و علی آل سیدنا ابراهیم انك حمید مجید برحمتك یا ارحم الراحمین * پس در مسجد آید بادا بپای مسنون است ودعا کند بدعای ماثوره و بگوید بسم الله صل علی سیدنا محمد و افتح لی ابواب رحمتك * بعد ازان دو رکعت تحیة المسجد خوانده قصد زیارت کند و بایستد بر در صخرهٔ اقدس باکمال عاجزی و ادب و استغفار کند و درود فرستد بر سید المرسلین صلی الله علیه و سلم - پس بگوید السلام علیك ایها النبي و رحمة الله و برکاته اشهد ان لا اله الا الله وحده لاشریك له و ان محمدا رسول الله و انك عبدالله و رسوله وخلیله جزاك الله عنا جزاء ماهو اهله - پس بگوید صلوات الله البر الرحیم و الملائكة المقربین والانبیاء والمرسلین والشهداء والصالحین من اهل السموات و اهل الارضین علیك یا ابا الانبیاء یاخلیل الله وعلی ولدك السید الكامل الفاتح سید الاولین والاخرین سیدنا محمد حبیب الله و علي آلكما و صحبكما كلما ذكركما الذاكرون وغفل عن ذكركما الغافلون * بعد ازین هرچه خواهد دعا خواسته متوجه شود بطرف روضهٔ مقدسهٔ سیدتنا ساره رضی الله عنها و بگوید السلام علیك یا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و رحمة الله و برکاته انما یرید الله لیذهب عنكم الرجس اهل البیت و یطهركم تطهیرا * پس متوجه شود طرف قبر سیدنا اسحاق علیه السلام و بگوید السلام علیك ایها النبي الكریم و رحمة الله و برکاته و هرچه خواهد بخواند - پس بیاید قدمی چند نزد قبر سیدتنا ربقه رضي الله عنها و بگوید

چنانکه گذشت - پس بآداب تمام بسوی سیدنا یعقوب علیه السلام آید و مطابق تصریحات بالا زیارت وی و زیارت زوجهٔ وی سیدتنا لائقه کند بعد ازان بطرف حجرهٔ سیدنا یوسف علیه السلام آید همچنان عمل کرده در طرفیکه انجا اثر قدم مبارک سید الانبیا صلی الله علیه وسلم است برود و زیارت کند وبس نماید وثانیا رو نهد طرف شباک شریف سیدنا ابراهیم خلیل علیه السلام بجائیکه مقابل قبر سیدنا یعقوب علیه السلام است وانجا متوقف شود واجتهاد بدعا نماید که محل قبول دعا است پس درود فرستد بر جمله انبیا و سرور کاینات صلی الله علیه وسلم اجمعین اینجا جمله بزرگوار با ازواج مطهرات خود آرام فرما اند سوای سیدنا یوسف علیه السلام که بعد مدت نعش مبارک را حضرت موسی علیه السلام از مصر درین محل آوردند مصرحا در کتب تواریخ موجود و زوجهٔ حضرت یعنی سیدتنا زلیخا رضی الله عنها همچنان در مصر ماند حاجز وقت مراجعت در مصر از قبرش نشان جست مکانش هویدا نیست دریای نیل آن را ببرد همچنان از هفتم خانهٔ حضرت زلیخا رضی الله عنها خبر گرفتم آن عمارت هم داخل دریای نیل شد گویند که ستونی ازان باقیست * آگاه باش که حضرت زلیخا را بتعظیم یاد کنند که او را قطع نظر فضیلت اهل بیت نبوت دو فضل جداگانه هست یعنی در ابتدا عاشق و در انتها معشوق نبی شد کنعان یتصل

بلد سیدنا ابراهیم خلیل الله علیه السلام است اکنون بالکل ویران - وانجا کوهی است مشهور به جبل کنعان *

قبور اولیاء الله در بلد خلیل الرحمن *

شیخ علی بکه علیه الرحمة گویند که نسبت و خصوصیت بوابی در حضرت سیدنا ابراهیم خلیل الله علیه السلام دارند * شیخ ابوبکر شبلی علیه الرحمة فیوض از مزار اقدس محیط مستفیضان و ترشح مانند باران * و در گوشهٔ قبر شخصی از خدام حضرت شیخ علی کهنبوش ادهمی علیه الرحمة من اولاد سیدنا ابراهیم ادهم علیه الرحمة گویند که هفت سنگریزه ازان قبر بردارند و بسلامت سفر کنند * شیخ ابو الریش علیه الرحمة من المجاهدین * شیخ برهان الدین جابری * شیخ اوسی من المجاهدین *

فصل بست ویکم

در زیارت سیدنا نوح و سیدنا لوط علیهما السلام

قریب بلد خلیل الرحمن *

قبر سیدنا نوح علیه السلام بمسافت سه کروه از حبرون واقع و راه باعث تراکم جبال محنت گذار - لیکن شمادیف چوبی و بغال وقت حاجت بکار - روضهٔ مقدس بی آرایش ظاهری درمیان جبال و احجار - فلاحین که مراد از دهقان باشد در اطراف آن کاشتکار - گندم و جو در گنبذ شریف جابجا انبار - شخصی کابلی

هندی دان درانجا خدمت گذار - سه قبه دیگر چیزی بمسافت از روضه اقدس مقام بعضی اولیاء کبار - اول ظهر از صبر دن راه زیارت گرفتیم وقت مراجعت چون شب شد قدری زحمت کشیدیم زایرین را باید که اول نهار قصد این زیارت کنند تا بروز روشن براحت مراجعت نمایند پس ازان روزی دیگر بسواری شغدف چوبی بزیارت سیدنا لوط علیه السلام رفتیم ربع این راه صخور کوه برای شغدف عسیر المرور - راکب و مرکب هر دو محظور - روضهٔ مبارک برکوهی نمایان از دور - در جانبی زیر دامن کوه بحر شور - قبه شریف محاط از سور - و دران یکدالان مسجد مشهور - و چند خلوت دران حسب دستور - اهتمامی بروضه جز این نیست که یک سوار ترک برای حراست مامور - و دو یک مزارعین دیهه خادم روضه پر نور - بعضی ساکنان انجا که چند خانه زاید نباشند چیزی ذی مقدور * لیکن بالفعل از دار و گیر عساکر سلطانی مجبور - خانهای خود خالی گذاشته مفرور * آگاه باشید که اینجا جز ران سواری بر شغدف چوبی قصد نباید کرد این زیارت اقرب است از زیارت سیدنا نوح علیه السلام خادم روضهٔ در غاری بدالان مسجد نشان داد که اینجا هست مدفن حضرت ابراهیم ادهم علیه السلام و هفتاد انبیا علیه السلام والله اعلم بالصواب *



فصل بست و دوم

در زیارت زکریا علیه السلام *

عاجز سه روز در خلیل الرحمن مقیم مانده و از زیارت انجا فراغت یافته بروز چهارم سفر مراجعت را کمر بستیم و زیارت اثناء راه البته درمیان حیال بود لیکن آنقدر طلوع و نزول که از یافا به قدس رفته بودیم هرگز دیده نشد راه یافا از حبرون اسهل از بیت المقدس لیکن زایر خلیل الرحمن را احتیاج نیست که در بیت المقدس رجعت قهقری کند و بلا ضرورت محنت بر خود لازم گیرد الغرض وقت عصر در بلد سیدنا زکریا علیه السلام وارد شدیم انجا جز زیارت حضرت علیه السلام زیارت دیگری نیست و آن در صحن مسجدی است که دران درمی و نه درمانی-ونه شوکتی و شانی-این مقام قریه ایست خوردتر-و مسکن بعضی فلاحین و مساکین بی سیم و زر-بیچاره بیوت و نشیمن هم درست ندارند و بحاله و دله میگذرانند و باوصف آن شرایط مهمان نوازی و لوازم مسافر پروری با حسن وجوه بجا می آرند عاجز که در همان مسجد شب اقامت ورزید جمله خاکنان آن قریه فراهم آمده کسی دست می بوسید و کسی نان و پنیر پیش می کشید مرغ و بیضه نهایت ارزان و همچنین است رسم دیه و دهقان *

فصل بستم و سوم

در زیارت مقام لد بروزن ضد

وقت مراجعت یعنی سیدنا شمعون علیه السلام و حکیم لقمان و بعضی صحابه کبار علیهم الرضوان و اکثر اولیاء الله مثل ذو النون مصری وغیره قدس الله اسرارهم از بلد سیدنا زکریا علیه السلام چهار گهرّی روز برآمده سوار شدیم وقت عصر در مقام لد رسیدیم و بروضهٔ اقدس سیدنا عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه طرح اقامت افگندیم وکمال راحت یافتیم خادم انجا مسمی عبد الرحمن در خدمت مسافران کمر بسته مادرش باعث وفات شوهر خود که نوزده روز گذشته بود سخت رنجور و دل خسته دالان بیرون قبه شریف اقامت مسافران راکافی اشجار عنب و تمر و رمان و زیتون وغیره درد دیوار را حاوی و آب چاه باستعانت دولاب از صبح تا مغرب جاری باغیچه صغیر پرده دار برای گذران مستورات وافی بدانکه قصبهٔ صغیر اسمیست لد بکسر لام و تشدید دال بروزن ضد ازمقام رمله متذکرهٔ بالا متصل غالبا نیم کروه کامل باشد این مرتبه برمله نرفتیم که از زیارت انجا پیشتر فارغ شده بودیم نان ولحم و اکثر سامان اکل و شرب میسر در لد و مقامات زیارت حسب تفصیل ذیل بیشتر چون یافا از ینجا مسافت سه ساعت راه بود روز دیگر تا ظهر اینجا مقیم ماندیم و درین

اثنا که فرصت وقت یافتیم از زیارت انجا مشرف شدیم
معلوم شد که زیارت حضرت لقمان حکیم علیه الرحمة نیز قریب
است چون بار اول هنگام دخول رمله باعث غلطی مکاری یعنی
صاحب البغال آن زیارت فوت شده بود اکنون بتلافیش
پرداختیم - و راه ان زیارت گرفتیم - و در ساعتی بدان مکان رسیدیم -
و زیارتش کردیم - مزار مبارکش قریب است از شارع عام -
و در حجره مسجدی صغیر انرا مقام - و در صحن مسجد پسرش
در آرام - باید که رهروان رمله از یافا مکاری را تاکید کنند که چون در ان
محال رسد ضرور سواری تا انجا کند تا کسی از بیخبری مثال عاجز در
مغالطه نافتد و بار اول وقت رفتن رمله درک این سعادت بلا
مشقت میسر اید * زیارت حضرت لقمان علیه الرحمة مانند دیگر
زیارات لازم باید گرفت که حق تعالی در قرآن مجید انرا ستوده
است ولقد اتینا لقمان الحکمة ان اشکر الله گفته اند که لقمان علیه
الرحمة از هزار نبی علم اموخت و هزار نبی را اموزانید * نقلست
که حق تعالی چون آنرا مخیر گردانید درمیان حکمت و نبوت او حکمت
اختیار کرد * درین محل نکتهٔ لطیف اینست که با وصف علو رتبت
نبوت حکمت را چرا اختیار کرد خردمندان گفته اند که چون مولی
بنده را سرفراز فرماید و خلعتی از خلعتهایش بخشد و بنده را دران
مجاز و مخیر گرداند پس داب ادب و مقتضای عبودیت آنست
که ادنی را اختیار نماید تا هضم نفس و عجزش پسند مولی اید و در

دشش جاگزیابد و رضای مولی موجب هزاران انعام و بخشش شود و نیز بنده را هنوز حقی بر مولی باقی ماند که آن باد صف تخبیر بر ادنی اکتفا ورزید پس لابد مولای عادل بدیگر نمط هم باندی رتابتش بخشد چنانکه بحضرت لقمان علیه الرحمة بخشید که هزار نبی را شاگردش فرمود و اورا مصداق ومن اوتي حكمة فقد اوتي خيرا كثيرا گردانید*

تفصیل قبور وزیارات بزرگان درمقام لد

قبر نبي الله سيدنا شمعون عليه السلام از اولاد سيدنا يعقوب عليه السلام اندرون بلد است وباعث امتداد زمان جز یک محراب دیگر هیچ اثار قبر هویدا نیست * مقام نبی الله سیدنا ادریس علیه السلام در جامع کبیر از همین مقام حضرت زنده در جنت رفت - قال الله تعالى ورفعناه مكانا عليا * قبر سيدنا سلمان فارسي رضى الله عنه من اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم و نیز بر طور زیتا در بیت المقدس که ذکرش درگذشت باختلاف روایت* قبر سيدنا عبد الرحمن بن عوف رضى الله عنه من الصحابة باختلاف روایت چراکه در مدینهٔ طیبه هم در بقیع مرویست * قبر سيدنا مقداد رضي الله عنه من الصحابة * قبر حضرت ذوالنون مصري قدس سره * قبور جهلی بزرگ از غازیان علیهم الرحمة * قبر عبد المومن من اولاد سيدنا عمر خطاب رضي الله عنه * قبر شيخ احمد زكي عليه الرحمة من اولاد الانصار * قبر

شیخ محمد جازم و شیخ محمد جبر علیهما الرحمة فی قبر واحد * قبور
شیخ محمد ناجی و شیخ عبد الله ناجی و شیخ یسین ناجی علیهم
الرحمة فی مقام واحد * زاویه محمد و سعید علیهما الرحمة * قبر احمد
فرع علیه الرحمة * قبر شیخ صالح الیمنی علیه الرحمة * زاویة
العمری علیه الرحمة * قبر شیخ عووات علیه الرحمة * قبر شیخ حسین
العلمی علیه الرحمة * قبر شیخ طه علیه الرحمة * قبر شیخ محمد بن
عبد اللطیف من اولاد عبد المومن علیهم الرحمة * وقت ظهر از لد
سوار شدیم و در اثناء راه زیارت حضرت لقمان حکیم علیه
الرحمة کرده مغرب در یافا خواندیم و بمکان سید عبد الغنی و فا که
ذکرش بالا رفت فرود آمدیم بعضی از مدرسین مسجد جامع یافا
مایان را محروم دیده معترض شدند که بیت المقدس میقات
احرام نیست چون احادیث متذکرهٔ بالا که در فضایل احرام از بیت
المقدس نوشته شد از نظر انها در گذشت سکوت کردند بان
متنبه شدند الغرض بانتظار رسیدن مرکب دخانی تا هشت روز
در یافا معطل نششتیم چون مرکب قوم روسیان رسید سوار
شدیم و در یک شبانه روز حسب دستور در اسکندریه
مراجعت کردیم حکیم محمد اسماعیل صاحب در یافا مبتلا به تپ
شدند و تا اسکندریه رسیده مرض شدت کرد و یرقان
قبل السابع لاحق شد حالت ردی گردید بالاخر در مصر شب
جمعه سیوم ربیع الاول بخلد برین شتافتند اللهم اغفرله مایان

در جامع ازهر در رواقی از رواقها جا گزیدیم و ۹ روز متوقف ماندیم بسبب آنکه در روانگی مرکب دخانی از سویس تا جده توقف و تراخی بسیار مسموع شد بعد ازان بمقتضای آنکه الانتظار اشد الموت مصلحت چنان نمود که سنبوق صغیر که مراد ارکشتی است اختیار باید کرد چنانچه در سویس آمدیم و بسی انتظار برای مرکب دخانی کردیم نیافتیم لاجرم سنبوق را اختیار کردیم و البته باعث معیت سواری زنانی چیزی زحمت کشیدیم سنبوق در تلاطم بسیار تهه و بالا می شود و بر روی آب راست نمی رود اگرچه دریا از سویس تا جده ناپیدا کناره نیست بلکه هر دو جانب کناره از نظر میگذرد لیکن آخر مستزاد بحر قلزم است سنبوق چگونه تاب امواج آن توان آورد معمول است که سنبوق تمام روز میرود و بشب بعضی جا بکناره بر وقرای عرب مثل طور سینا و جه و ینبع ورابس و جائیکه کناره بعید است در شعوب جبال که مراد از کوه زیر دریا است لنگر میگذرند الغرض در دوازده روز بصحت و عافیت در جده رسیدیم بعضی حکایت سفر مراجعت هم قابل نقل بود لیکن وفات حکیم صاحب مرحوم که محبتی خاص با عاجز داشتند حرارت شوق این تحریر را افسرده نمود و هم کلام طویل نامسموع و سخن پرداز نامطبوع پس دست از قلم کشیدیم و برین جزوی اکتفا ورزیدیم * ابن آدم یا غریب الدنیا یا عابر سبیل - فالی متی هذا التطویل - وما بقي من العمر الا القلیل - وانت منهمك فی اللذات - ومصر علی فعل المنکرات - والقلب مدلك

علیل - و الدنیا ظلٌ زایل - [illegible] قائل - کم قتلت من قتیل - فلا تطمع فی -
الهوا و اترک الدعوی - و کن عبدا ذلیل - و الزم باب ربك و اترک ما
یعجبك من القال و القیل *

* نظم *

هیچ است به بین نو [illegible] را * * بر هیچ مپیچ خویش تن را
بر چرخ مناز و بر [illegible] * * بر صبح مپیچ و بر نسیمش
سیلاب غم است دور سرورش * * طوفان بلاست در تنورش
اینجا شجری نشد برومند * * کش باد فنا زپا نیفگند
اینجا همه رخت خانه نیل است * * دستان همه نوحهٔ رحیل است
تا چند فنا پسند بودن * * بر هیچ نظاره بند بودن
نیرنگ فنا است پرده بشگاف * * سیمرغ بقا مجو ازین قاف
تو آبلـه پا و کاروان تیز * * برخیز ازین کریوه برخیز
هرچند مقام دلپذیر است * * زین مرحله کوچ ناگزیر است

قطعه تاریخ زیارت بیت المقدس *

بحمد الله دیدم روی اقصی * * که بر بنیاد تقوی شد موسس
چه خوش تاریخ مولانا عمر گفت * * عبدت الله فی بیت المقدس

تمام شد

